



## صف انتظار خودرو طولانی شد



### برق‌آبی نصف‌شد

کارشناس توسعه انرژی خورشیدی را  
را حل فوری افزایش تولید می‌دانند؛ اما  
قیمت‌گذاری...

صفحه ۲

### فصله علم و تولید

سال‌هاست که از اتباط دانشگاه و صنعت  
صحبت می‌شود، اما در عمل این رابطه  
تقویت نشده...

صفحه ۴

### تجارت؛ قربانی پیچیدگی قوانین

در سال‌های اخیر، تعدد و پیچیدگی قوانین  
و مقررات در حوزه تجارت خارجی به یکی از  
مهم‌ترین...

صفحه ۶

## صف انتظار خودرو طولانی شد

کریم حسن پور - با نزدیک شدن به پایان سال، بازار خودرو با چالش تکراری دیگری دست به گریبان است؛ فراگیر شدن پدیده خالی‌فروشی و افزایش تعهدات معوق شرکت‌های خودروساز. نااهم‌نگی میان عرضه و تقاضا، که در آن خودروها پیش‌فروش می‌شوند در حالی که ظرفیت واقعی تولید برای تحویل در موعد مقرر وجود ندارد.

حالا باعث کاهش اعتماد و شکل‌گیری موجی از نارضایتی‌ها و تجمعات خریداران در مقابل نهادهای نظارتی شده است. اطلاعاتی که از سوی سیاستگذار منتشر شده، گویای این نکته است که این معضل اکنون شرکت‌های خودروساز مونتاژی را نیز در بر گرفته است؛ جایی که پیش‌فروش محصولات بدون تضمین از تامین قطعات یا مجوزهای لازم، ماهیت تعهدات غیرواقعی را تقویت می‌کند.

در همین ارتباط داده‌های رسمی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، این چالش را به‌وضوح نشان می‌دهد. بر اساس این گزارش، دو بازیگر اصلی در بخش مونتاژ، یعنی مدیران خودرو و کرمان موتور، به همراه سایپا از خودروسازان داخلی، در کنار رشد معوقات خود، بیشترین حجم شکایات را در زمینه عدم پرداخت جریمه دیرکرد تحویل خودروها به خود اختصاص داده‌اند و عملاً در صدر جدول بدقول‌ها قرار گرفته‌اند. همچنین مدیرعامل سایپا در هشتم دی‌ماه، رقم معوقات را نزدیک به ۵۰ هزار دستگاه اعلام کرده، هرچند دیگر خودروساز بزرگ کشور مدعی دستیابی به صفر شدن معوقات شده است. تحلیلگران اقتصادی معتقدند که بخشی از ریشه‌های این معضل به عوامل بیرونی و ساختاری اقتصاد کلان نهفته است که خارج از کنترل مستقیم خودروسازان قرار دارد؛ به‌طوری‌که شرکت‌ها در این محیط ناچار به پذیرش تعهداتی می‌شوند که اجرای آنها در شرایط نوسانی دشوار است. باین حال، نقش نظاری وزارت صمت در این میان محل تامل است. با وجود موارد قانونی صریحی که عرضه مجدد یک مدل خودرو را منوط به تسویه کامل تعهدات قبلی همان مدل کرده است، مشاهده می‌شود که در عمل، تساهل یا عدم سخت‌گیری کافی با متخلفان، این سازوکار پیشگیرانه را تضعیف کرده است. با این اوصاف، این گسست میان قانون‌گذاری و اجرای آن، به انباشت تعهدات معوق خودروسازان دامن زده است.

**چرا خودروسازان خالی‌فروشی می‌کنند؟**  
برای ریشه‌یابی دلایل ایجاد تعهدات معوق و خالی‌فروشی در برخی شرکت‌های خودروساز و پاسخ به این دو پرسش کلیدی که چرا خودروسازان خالی‌فروشی می‌کنند و اینکه به چه دلیل با وجود تعهدات معوق، وزارت صمت اقدام به اعطای مجوز برای طرح‌های جدید فروش خودرو می‌کند؛ به سراغ سعید مدنی مدیرعامل سابق گروه خودروسازی سایپا و حسن کریمی سنجرى کارشناس صنعت خودرو رفتیم. سعید مدنی، مدیرعامل سابق سایپا، در پاسخ به این پرسش که چرا خالی‌فروشی به یکی از رفتارهای تکرار‌شونده در صنعت خودرو تبدیل شده، به «دنیای اقتصاد» گفت: «در بسیاری از مواقع شرایط اقتصادی و مالی به‌گونه‌ای است که خودروسازان برای سرپا نگه داشتن شرکت ناچار به پیش‌فروش می‌شوند؛ پیش‌فروش‌هایی که با این امید انجام می‌شود که در آینده مشکلات مربوط به تامین ارز و نقدینگی برطرف شده و امکان تولید و تحویل خودرو فراهم شود.»

وی با اشاره به شکل‌گیری تعهدات معوق در شرکت‌های مونتاژکار خالی‌فروشی کرد: «این شرکت‌ها عملاً یک ورودی ارزی و یک خروجی تولیدی دارند. در گذشته ارز با شرایط متفاوتی در اختیار آنها قرار می‌گرفت، اما اکنون با افزایش نرخ ارز از حدود ۷۰ هزار تومان به حدود ۱۴۰ هزار تومان، توان جذب ارز کاهش یافته و به تبع آن حجم سفارش‌گذاری نیز افت کرده است؛ موضوعی که از قبل قابل پیش‌بینی بود.»

مدنی درباره وضعیت خودروسازان بزرگ داخلی نیز تأکید کرد: «شرایط آنها تفاوت چندانی ندارد. مشکل اصلی کمبود نقدینگی و تأخیر در تخصیص ارز است. برای نمونه، در سال‌های گذشته تعداد قابل‌توجهی خودروی شاهین پیش‌فروش شد، درحالی‌که ظرفیت تولید متناسب با این سطح از تعهدات نبود.»

به گفته وی، ترکیب فشار مالی، نگاه‌ها و تقاضای انباشته بازار موجب شد فاصله میان فروش و تحویل افزایش یابد و تعهدات به دوره‌های بعد منتقل شود.

این کارشناس صنعت خودرو با اشاره به نقش متغیرهای کلان

اقتصادی افزود: «صنعت خودرو جدا از شرایط عمومی اقتصاد کشور نیست. تحریم‌ها تأثیر مستقیمی بر افزایش تعهدات معوق داشته‌اند؛ به‌ویژه در شرایطی که محدودیت‌های فروش نفت، منابع ارزی دولت را تحت فشار قرار داده و خودرو در اولویت‌های اصلی تخصیص ارز قرار نمی‌گیرد. این مساله روند تامین قطعات و تولید را با اختلال مواجه می‌کند.»

مدنی در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود تعهدات قبلی، همچنان مجوز پیش‌فروش صادر می‌شود، گفت: «خودروسازان بنگاه‌هایی بزرگ با هزاران نیروی انسانی هستند و برای جلوگیری از توقف تولید نیازمند جریان نقدینگی‌اند. به همین دلیل اجازه پیش‌فروش داده می‌شود تا شرکت‌ها بتوانند فعالیت خود را ادامه دهند.»

وی افزود که این سازوکار در گذشته نیز وجود داشته و در برخی دوره‌ها به‌صورت منطقی و در چارچوب تامین مالی تولید استفاده می‌شده است.

با این حال، او نقش ضعف مدیریتی و نظارتی را انگارناپذیر دانسته و تصریح کرد: «در برخی موارد سوءمدیریت نیز وجود داشته است. برای مثال، پیش‌فروش خودروی شاهین با تأیید سامانه‌ای مجوزهای رسمی انجام شد، درحالی‌که ظرفیت تولید آن محل تردید بود.» به اعتقاد مدنی، نبود نظارت موثر از سوی وزارت صمت موجب شده خلأ جدی در کنترل تعهدات ایجاد شود و در نتیجه خالی‌فروشی و موقات تحویل در برخی شرکت‌های خودروسازی تکرار شود.

حسن کریمی‌سنجرى، کارشناس صنعت خودرو، نیز در پاسخ به این پرسش که چرا خالی‌فروشی و شکل‌گیری تعهدات معوق در صنعت خودرو تکرار می‌شود، به «دنیای اقتصاد» گفت: «دنیای اقتصاد» گفت: «تمام پارامترهای موثر بر فضای کسب‌وکار خودروسازان در اختیار خود آنها نیست و بخش قابل‌توجهی از این متغیرها به عوامل بیرونی بازمی‌گردد؛ موضوعی که گاه شرکت‌ها را ناخواسته در مسیر ایجاد تعهدات معوق قرار می‌دهد.»

وی با اشاره به تأثیر فضای نامساعد کسب‌وکار بر عملکرد تولیدکنندگان افزود: «در بسیاری از موارد، خودروسازان به دلیل محدودیت‌های محیطی قادر به ثبت‌سفارش یا تامین به‌موقع ارز نیستند. آنها بر اساس پیش‌بینی‌هایی اقدام به فروش می‌کنند، اما در ادامه با موانعی مانند تأخیر در تخصیص ارز یا تشدید بحران نقدینگی مواجه می‌شوند و در نتیجه امکان حمایت مالی از زنجیره تامین و دریافت همقطعات را از دست می‌دهند.»

کریمی‌سنجرى درباره نقش تحریم‌ها در افزایش تعهدات معوق، به‌ویژه در شرکت‌های مونتاژکار، توضیح داد: «در شرایط عادی، اگر خودروساز نتواند تعهد خود را ایفا کند، مشتری با دریافت جریمه انصراف می‌دهد اما در فضای تحریمی و محدودیت ارزی، چنین سازوکاری عملاً مختل شده و بخشی از مشکلات از حیطه مدیریت بنگاه خارج است.»

به گفته این کارشناس، در کنار عوامل بیرونی، فشار نقدینگی نیز خودروسازان را به سمت ایجاد تعهدات بیش از ظرفیت سوق می‌دهد. «هرچی شرکت‌ها، به‌ویژه مونتاژکاران، برای تامین منابع مالی ناچار به پیش‌فروش می‌شوند و امیدوارند نقدینگی جذب‌شده به حل مشکلات مالی و تحویل به‌موقع خودرو کمک کند. سود خودروساز از محل فروش خودرو تامین می‌شود، بنابراین ایجاد تعهد ذاتاً با هدف تحقق آن انجام می‌شود؛ اما زمانی که سطح تعهدات از توان واقعی فراتر می‌رود، تحقق آنها به متغیرهای نامطمئن آینده وابسته می‌شود.»

وی تأکید کرد: «در بسیاری از موارد، از همان ابتدا مشخص است که بخشی از تعهدات با ظرفیت موجود همخوانی ندارد، اما شرکت‌ها امیدوارند شرایط اقتصادی بهبود یابد و محدودیت‌ها کاهش پیدا کند؛ امیدی که همیشه محقق نمی‌شود.»

کریمی‌سنجرى همچنین نقش رقابت برای جذب نقدینگی بازار را در رشد خالی‌فروشی موثر دانست و گفت: «در بازار خودرو رقابتی برای جذب سرمایه‌های سرگردان وجود دارد. ممکن است خودروسازی توان عرضه ۱۰۰ دستگاه خودرو را داشته باشد، اما برای از دست ندادن نقدینگی بازار، عرضه ۱۵۰ دستگاه را اعلام کند؛ زیرا نگران است منابع مالی به سمت رقیب منتقل شود. همین رفتار در میان رقبای نیز تکرار شده و به افزایش تعهدات غیرقابل تحقق منجر می‌شود.»

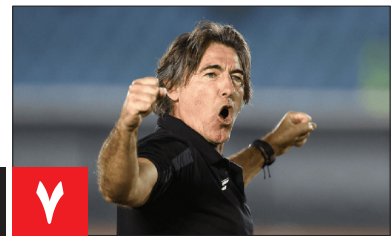
این کارشناس صنعت خودرو در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود تعهدات معوق، همچنان مجوز فروش جدید صادر می‌شود، اظهار کرد: «بخشی از این فروش‌ها با مجوز و بخشی بدون مجوز انجام می‌شود. شرکت‌هایی که با مجوز اقدام کرده‌اند معمولاً با عواملی خارج از اختیار خود مواجه شده و حتی مشمول جریمه می‌شوند، اما در کنار آنها مواردی نیز وجود دارد که بدون مجوز اقدام به ایجاد تعهد کرده‌اند.»



### عقب‌نشینی سه‌روزه بورس



### امپراتوری جدید انرژی در شرق



### سایپنتو به استقبال روزهای سخت می‌رود

اقتصادی افزود: «صنعت خودرو جدا از شرایط عمومی اقتصاد کشور نیست. تحریم‌ها تأثیر مستقیمی بر افزایش تعهدات معوق داشته‌اند؛ به‌ویژه در شرایطی که محدودیت‌های فروش نفت، منابع ارزی دولت را تحت فشار قرار داده و خودرو در اولویت‌های اصلی تخصیص ارز قرار نمی‌گیرد. این مساله روند تامین قطعات و تولید را با اختلال مواجه می‌کند.»

مدنی در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود تعهدات قبلی، همچنان مجوز پیش‌فروش صادر می‌شود، گفت: «خودروسازان بنگاه‌هایی بزرگ با هزاران نیروی انسانی هستند و برای جلوگیری از توقف تولید نیازمند جریان نقدینگی‌اند. به همین دلیل اجازه پیش‌فروش داده می‌شود تا شرکت‌ها بتوانند فعالیت خود را ادامه دهند.»

وی افزود که این سازوکار در گذشته نیز وجود داشته و در برخی دوره‌ها به‌صورت منطقی و در چارچوب تامین مالی تولید استفاده می‌شده است.

با این حال، او نقش ضعف مدیریتی و نظارتی را انگارناپذیر دانسته و تصریح کرد: «در برخی موارد سوءمدیریت نیز وجود داشته است. برای مثال، پیش‌فروش خودروی شاهین با تأیید سامانه‌ای مجوزهای رسمی انجام شد، درحالی‌که ظرفیت تولید آن محل تردید بود.» به اعتقاد مدنی، نبود نظارت موثر از سوی وزارت صمت موجب شده خلأ جدی در کنترل تعهدات ایجاد شود و در نتیجه خالی‌فروشی و موقات تحویل در برخی شرکت‌های خودروسازی تکرار شود.

حسن کریمی‌سنجرى، کارشناس صنعت خودرو، نیز در پاسخ به این پرسش که چرا خالی‌فروشی و شکل‌گیری تعهدات معوق در صنعت خودرو تکرار می‌شود، به «دنیای اقتصاد» گفت: «تمام پارامترهای موثر بر فضای کسب‌وکار خودروسازان در اختیار خود آنها نیست و بخش قابل‌توجهی از این متغیرها به عوامل بیرونی بازمی‌گردد؛ موضوعی که گاه شرکت‌ها را ناخواسته در مسیر ایجاد تعهدات معوق قرار می‌دهد.»

وی با اشاره به تأثیر فضای نامساعد کسب‌وکار بر عملکرد تولیدکنندگان افزود: «در بسیاری از موارد، خودروسازان به دلیل محدودیت‌های محیطی قادر به ثبت‌سفارش یا تامین به‌موقع ارز نیستند. آنها بر اساس پیش‌بینی‌هایی اقدام به فروش می‌کنند، اما در ادامه با موانعی مانند تأخیر در تخصیص ارز یا تشدید بحران نقدینگی مواجه می‌شوند و در نتیجه امکان حمایت مالی از زنجیره تامین و دریافت همقطعات را از دست می‌دهند.»

کریمی‌سنجرى درباره نقش تحریم‌ها در افزایش تعهدات معوق، به‌ویژه در شرکت‌های مونتاژکار، توضیح داد: «در شرایط عادی، اگر خودروساز نتواند تعهد خود را ایفا کند، مشتری با دریافت جریمه انصراف می‌دهد اما در فضای تحریمی و محدودیت ارزی، چنین سازوکاری عملاً مختل شده و بخشی از مشکلات از حیطه مدیریت بنگاه خارج است.»

به گفته این کارشناس، در کنار عوامل بیرونی، فشار نقدینگی نیز خودروسازان را به سمت ایجاد تعهدات بیش از ظرفیت سوق می‌دهد. «هرچی شرکت‌ها، به‌ویژه مونتاژکاران، برای تامین منابع مالی ناچار به پیش‌فروش می‌شوند و امیدوارند نقدینگی جذب‌شده به حل مشکلات مالی و تحویل به‌موقع خودرو کمک کند. سود خودروساز از محل فروش خودرو تامین می‌شود، بنابراین ایجاد تعهد ذاتاً با هدف تحقق آن انجام می‌شود؛ اما زمانی که سطح تعهدات از توان واقعی فراتر می‌رود، تحقق آنها به متغیرهای نامطمئن آینده وابسته می‌شود.»

وی تأکید کرد: «در بسیاری از موارد، از همان ابتدا مشخص است که بخشی از تعهدات با ظرفیت موجود همخوانی ندارد، اما شرکت‌ها امیدوارند شرایط اقتصادی بهبود یابد و محدودیت‌ها کاهش پیدا کند؛ امیدی که همیشه محقق نمی‌شود.»

کریمی‌سنجرى همچنین نقش رقابت برای جذب نقدینگی بازار را در رشد خالی‌فروشی موثر دانست و گفت: «در بازار خودرو رقابتی برای جذب سرمایه‌های سرگردان وجود دارد. ممکن است خودروسازی توان عرضه ۱۰۰ دستگاه خودرو را داشته باشد، اما برای از دست ندادن نقدینگی بازار، عرضه ۱۵۰ دستگاه را اعلام کند؛ زیرا نگران است منابع مالی به سمت رقیب منتقل شود. همین رفتار در میان رقبای نیز تکرار شده و به افزایش تعهدات غیرقابل تحقق منجر می‌شود.»

این کارشناس صنعت خودرو در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود تعهدات معوق، همچنان مجوز فروش جدید صادر می‌شود، اظهار کرد: «بخشی از این فروش‌ها با مجوز و بخشی بدون مجوز انجام می‌شود. شرکت‌هایی که با مجوز اقدام کرده‌اند معمولاً با عواملی خارج از اختیار خود مواجه شده و حتی مشمول جریمه می‌شوند، اما در کنار آنها مواردی نیز وجود دارد که بدون مجوز اقدام به ایجاد تعهد کرده‌اند.»

## روزنامه در اقتصاد

**چهارشنبه ۶ اسفند ماه ۱۴۰۴** • شماره ۸۷۰
www.marzeghtesad.ir

<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>▼ نحوه فروش سهام بانک آینده</b> - تصویب شد</span></div>
<p>به تازگی سومین جلسه هیات گزیر بانک آینده و هیاتمدیره صندوق ضمانت سپرده‌ها با موضوع نحوه فروش دارایی‌ها و سهام سهامداران بانک آینده برگزار شد.</p> <p>محمدرضا فرزین‌سن، رئیس کل بانک مرکزی در این جلسه حضور داشت و اعلام کرد که طبق قانون، هیات گزیر و صندوق ضمانت سپرده‌ها، دارایی‌ها و بدهی‌های بانک آینده سابق را با دقت و سرعت تعیین تکلیف می‌کنند. بر اساس قانون برنامه هفتم و قانون بانک مرکزی، تمامی دارایی‌های غیرنقدشونده بانک آینده سابق از طریق صندوق ضمانت سپرده‌ها و شرکت مدیریت دارایی، پس از مرحله تعیین ارزشگذاری به فروش می‌رسد تا مطالبات ناشی از فعالیت‌های ناتراز بانک آینده سابق پرداخت شود. فرزین در مورد انتقال دارایی‌های نقدشونده، سپرده جاری و ذخیره قانونی بانک آینده سابق به بانک ملی ایران اعلام کرد طبق قانون صندوق ضمانت سپرده‌ها نقش اصلی در حمایت از بانک عامل در فرآیند گزیر را ایفا می‌کند تا از انتقال هرگونه ناترازی از بانک آینده سابق به بانک ملی ایران جلوگیری شود.</p> <p>بر این اساس سازوکار اتخاذ شده در قبال بانک ناتراز و ناسالم آینده، سازوکار ادغام نیست زیرا در موضوع ادغام، باید بانک با تمام ناترازی‌های خود به بانک ملی منتقل می‌شد اما در سازوکار اتخاذ شده کنونی، به شیوه‌ای عمل می‌شود که معادل سپرده منتقل شده به بانک ملی، منابع و دارایی‌های نقد بانک آینده سابق به بانک ملی ایران انتقال داده خواهد شد.</p> <p>بانک آینده در سال‌های دهه نود، با مسائلی همچون عدم برگزاری مجامع و عدم شفافیت مالی، پرداخت مداوم تسهیلات به پروژه‌های زیرمجموعه و بازردهی پایین و همچنین عدم پاسخگویی سهامداران مواجه بوده است. به همین دلیل با ناترازی‌های مزمن و انباشت ریسک در ترازنامه مواجه بوده است. با این حال اولویت نخست صندوق ضمانت سپرده‌ها در فرآیند گزیر بانک آینده سابق استفاده از روش‌های متنوع برای فروش دارایی‌های تملک‌شده و نقد کردن دارایی‌ها است.</p> <p>بر این اساس تمام دارایی‌های سمی و غیرقابل نقدشونده بانک آینده سابق نیز مطابق تجربه جهانی توسط شرکت مدیریت دارایی‌ها (AMC) که در قانون برنامه پیش‌بینی شده است تعیین تکلیف می‌شود. بر اساس اعلام بانک مرکزی، کلیه اشخاص حقوقی، به‌استثنای سهامداران عضو «هالک واحد» طبق فهرست اعلامی بانک مرکزی می‌توانند با مراجعه به یکی از شرکت‌های کارگزار عضو فرابورس، نسبت به فروش و تکمیل فرم‌های مربوطه برای واگذاری سهام خود اقدام کنند و سهام آنها به بالاترین قیمت پابانی سهم در تابلوی فرابورس طی یک سال منتهی به تاریخ تصویب گزیر خریداری می‌شود.</p> <p>سهامداران به مدت یک ماه و از ۱۴۰۴-۰۸-۲۴ تا ۱۴۰۴-۰۹-۲۴ امکان فروش سهام خود را دارند. همچنین سفارش‌های فروش از حیث اعتبار زمانی، بدون محدودیت خواهند بود و چنانچه سهامداران در مهلت مقرر نسبت به ارائه درخواست و سفارش فروش اقدام نکنند، طبق مفاد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، مدیر گزیر بانک آینده (در حال گزیر) مکلف است تمامی دارایی‌های بانک را مورد ارزیابی و فروش قرار داده و پس از تسویه بدهی‌های بانک به اشخاص و نهادهای ذریبط، در صورت وجود هرگونه مصادرات دارایی‌ها بر بدهی‌ها، نسبت به پرداخت سهم سهامدارانی که سهام خود را نفروخته‌اند، اقدام کند.</p>
<p><b>▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد</b></p> <p>پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات منفرصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخشنامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات منفرصله مربوط به فصل ۹۸ از اخذ تمدننامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تأکیدشده؛ واردکنندگان قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، سبولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود. بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود، ترخیص قطعات منفرصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است.در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.</p> <p>با این حال، ظاهراً در ماه‌های گذشته به‌دلیل اختلاف داده‌ها میان وزارت صمت و گمرک درباره نحوه ارزش‌گذاری قطعات CKD و TCS، بخش قابل‌توجهی از اطلاعات این بانک به‌روزرسانی نشده و بسیاری از شناسه‌ها از اعتبار</p>



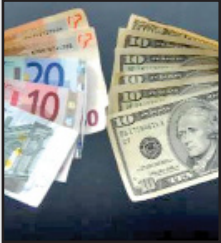
# رمز گشایی از سقف تورم

**۶** مریم لطفی – رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس از سقف تورم نقطه به نقطه ونمایی کرد. رئیس کل بانک مرکزی که برای گزارش دهی از عمل به اهداف برنامه هفتم به مجلس رفته بود، برای دفاع از عملکرد خود در حوزه کنترل تورم اعلام کرد که نرخ تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه سال ۱۴۰۳ به طور مستمر در حال کاهش بوده است.

رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس از سقف تورم نقطه به نقطه رونمایی کرد. رئیس کل بانک مرکزی که برای گزارش‌دهی از عمل به اهداف برنامه هفتم به مجلس رفته بود، برای دفاع از عملکرد خود در حوزه کنترل تورم اعلام کرد که نرخ تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه سال ۱۴۰۳ به طور مستمر در حال کاهش بوده است؛ به طوری که تورم نقطه به نقطه از ۶۲.۴ درصد در اسفند سال ۱۴۰۱ به ۳۳.۸ درصد در آذر سال ۱۴۰۳ رسید. این اعلام رئیس کل بانک مرکزی، جزئیات جدیدی از سقف تورم نقطه به نقطه را مشخص کرد. طبق اعلام مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه در ماه پایانی ۱۴۰۱، ۵۴ درصد اعلام شده بود. انتهای سال ۱۴۰۱ و ابتدای سال ۱۴۰۲، از نظر آمارهای مرکز آمار نیز بالاترین رقم ثبت شده تورم نقطه به نقطه طی دهه‌های اخیر است. بنابر این به نظر می‌رسد می‌توان رقم ۶۲.۴ درصد را به عنوان سقف تورم نقطه به نقطه اقتصاد ایران از دهه ۳۰ شمسی تاکنون معرفی کرد.

#### دو متهم اصلی افزایش نرخ تورم

صبح روز سه‌شنبه، رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس، صحبت کرد.محمدرضا فرزین در سخنان خود علاوه بر تشریح عملکرد بانک مرکزی در تحقق اهداف برنامه هفتم، از چند نرخ تورمی که تا پیش از این اعلام نشده بود، رونمایی کرد. فرزین همچنین دلیل افزایش تورم در سال گذشته و سال جاری را بیان کرد. به عقیده او دلیل افزایش نرخ تورم



## معاملات ارزی به ۱۷۷میلیون دلار رسید

سهامداران با مدت یک ماه و از ۱۴۰۴-۰۸-۲۴ تا ۱۴۰۴-۰۹-۲۴ امکان فروش سهام خود را دارند. همچنین سفارش‌های فروش از حیث اعتبار زمانی، بدون محدودیت خواهند بود و چنانچه سهامداران در مهلت مقرر نسبت به ارائه درخواست و سفارش فروش اقدام نکنند، طبق مفاد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، مدیر گزیر بانک آینده (در حال گزیر) مکلف است تمامی دارایی‌های بانک را مورد ارزیابی و فروش قرار داده و پس از تسویه بدهی‌های بانک به اشخاص و نهادهای ذریبط، در صورت وجود هرگونه مصادرات دارایی‌ها بر بدهی‌ها، نسبت به پرداخت سهم سهامدارانی که سهام خود را نفروخته‌اند، اقدام کند.

پس از حدود دو دهه فعالیت پرچالش و انباشت بحران‌های مالی، بانک آینده سرانجام وارد فرآیند «گزیر» شد. تصمیم اخیر بانک مرکزی، هر چند دیر اما یقیناً نقطه عطفی در تاریخ بانکداری کشور از طریق ساماندهی یکی از پرحاشیه‌ترین پرونده‌های بانکی ایران است. بانکی که طی دوران فعالیت خود به مهم‌ترین نماد ناترازی در شبکه بانکی کشور تبدیل شد. حال پس از حل و فصل مالی بانک آینده می‌خواهیم بدانیم آیا قبل از ورود بانک مزبور به فرآیند گزیر و به عنوان استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بانک مزبور می‌توانستیم ردپای گزیر را شناسایی و ثبت و سلامت آن را ارزیابی نماییم یا خیر. این موضوع از طریق بررسی ترکیب دارایی‌های بانک و البته بررسی ساختار تأمین مالی آن کاملاً قابل احصاء بود. بررسی صورت‌های مالی بانک آینده نشان می‌داد که این بانک با دو نوع ناترازی اساسی مواجه بوده است. ناترازی ترازنامه‌ای و ناترازی نقدینگی. ناترازی ترازنامه‌ای زمانی شکل می‌گیرد که بدهی‌ها از دارایی‌ها پیشی بگیرند. در مورد بانک آینده، این وضعیت با وقوع زیان انباشته و رشد بی در پی آن طی سال‌های متمادی بروز کرد. در این ارتباط، ناترازی نقدینگی نیز زمینه‌ساز اصلی بحران شد. بانک آینده در سال‌های اخیر ناتوان از تأمین وجه نقد برای پرداخت تعهدات جاری بود؛ زیرا بخش اعظمی از دارایی‌هایش تحت عنوان مطالبات غیرجاری در قالب تسهیلات اعطایی بدون بازگشت که به شرکت‌های زیرمجموعه و وابسته اختصاص یافته بود عملاً قفل شده بود. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری‌های غیربانکی قابل توجه و بدون بازده، منابع بانک را در پروژه‌هایی محبوس کرد که عملاً هیچ جریان نقدی ورودی ایجاد نمی‌کردند. از سوی دیگر حجم بالای بدهی‌ها – عمدتاً سپرده‌های مشتریان – در برابر دارایی‌هایی قرار گرفته بود که با فاقد بازدهی بودند یا قابلیت نقدشوندگی پایینی داشتند. نتیجه آن، از بین رفتن کامل حقوق صاحبان سهام و فروپاشی تعادل مالی بانک بود. در سمت بدهی‌ها، هزینه سود سپرده‌ها، عامل اصلی زیان‌دهی مستمر بانک شد. رقابت ناسالم در جذب سپرده و پرداخت ترخه‌های سود غیرمتعارف، بار مالی سنگینی بر ترازنامه بانک وارد کرد و هزینه سود سپرده‌ها را به حدود ۷۰ همت در سال رساند. این وضع، به‌همراه اتکای فرآینده به منابع بانک مرکزی و انباشت اضافه‌برداشت‌ها – که خود مشمول هزینه مالی از بابت وجه التزام اضافه برداشت بود – عملاً بانک را با زیان ناشی از بحران نقدینگی مواجه کرده بود، به گونه‌ای که ترکیب هزینه‌های بالای جذب سپرده و هزینه مالی ناشی از استقراض از بانک مرکزی، به شکل‌گیری زیان انباشته انجامید و نهایتاً نسبت کفایت



در سال گذشته، افزایش نرخ بازار ارز مرکز مبادله بوده و افزایش تورم در سال جاری به دلیل افزایش انتظارات تورمی رخ داده است. رئیس کل بانک مرکزی در خصوص روند نرخ تورم گفت: «تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه ۱۴۰۳، به طور مستمر در حال کاهش بود، نرخ تورم نقطه به نقطه از ۶۲.۴ به ۳۳.۸ درصد کاهش یافت. همچنین نرخ تورم سالانه از ۵۴ درصد به ۳۶ درصد کاهش یافت». فرزین در ادامه اصلی‌ترین دلیل افزایش تورم در آذر سال گذشته را به افزایش نرخ ارز مرکز مبادله ایران مرتبط دانست و گفت: «از آذر ماه سال قبل تورم همزمان با افزایش نرخ ارز در مرکز مبادله ایران از حدود ۴۵ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان، نرخ تورم نیز افزایشی شد». با این حال، فرزین دلیل افزایش تورم در سال جاری را متفاوت از سال گذشته دانست. رئیس کل بانک مرکزی در سخنان خود افزایش نرخ تورم در سال جاری را به تشدید انتظارات تورمی به دلیل افزایش نااطمینانی‌های دوران جنگ و پس از آن مرتبط دانست.

فرزین ناشی از تکانه‌های سیاسی و امنیتی، آثار پولی ناشی از اقدامات دولت بابت کسری بودجه و تأمین هزینه‌های دولت و افزایش قیمت خدمات دولتی، نرخ تورم افزایش یافته است». همچنین طبق گفته فرزین، نرخ تورم سالانه مهر ماه بانک مرکزی، ۲۸.۹ درصد محاسبه شده است. رئیس کل بانک مرکزی اعلام نکرد نرخ تورم نقطه به نقطه از نظر بانک مرکزی به چه رقمی رسیده است، ولی نرخ تورم سالانه اعلامی دقیقاً مشابه نرخ اعلام شده

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات ارزی به ارزش معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد. با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسید.مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱.۱میلیون درهم، ۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار برآورد می‌شود. بازار ارز تجاری در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار ارزی کشور، تأمین نیازهای ارزی بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل ارز، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، ارزی و تجاری آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله ارز و طلای ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران به ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع ارز، ۹۳میلیارد و ۸۱۳میلیون دلار، ۲۲میلیارد و ۵۰میلیون درهم، ۴۳.۳میلیون یورو، یکمیلیارد روپیه، ۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون ین و ۳میلیارد و ۶۲میلیون روبل بوده است.

# ردپای گزیر در صورت‌های مالی بانک آینده



سرمایه بانک را به بیش از ۵۰۰ درصد منفی رساند، عواملی که بانک آینده را در رده ناترازترین موسسات اعتباری کشور قرار می‌داد. تمامی نکاتی که از صورت‌های مالی بانک آینده عنوان شد نهایتاً نشانگر ردپای گزیر در گزارش‌های مالی آن بود. بانک آینده به‌رغم ناترازی عمیق، همچنان به فعالیت معمول خود ادامه می‌داد و به‌دلیل کلان به سر جای بگذارد و از این جهت مصداق بارز مفهوم بین‌المللی (Too Big to Fail) بود. با این حال، اقدام اخیر بانک مرکزی در جایگاه مقام ناظر با ظرفیت قانونی جدید ایجاد شده در قانون بانک مرکزی نشان داد که رویکرد نظارتی حاضر دیگر تسلیم چنین شرایطی نخواهد شد؛ زیرا سیاست «گزیر» در عمل برای جلوگیری از تداوم همین پدیده طراحی شده است و با حذف آثار منفی بانک‌های ناتراز از بدنه اقتصادی کشور، مسیر دست‌یابی به انضباط مالی به ویژه در صنعت بانکداری را هموار می‌سازد.

در همین راستا، بانک مرکزی با استناد به ماده ۳۳ قانون مذکور، تصمیم به اجرای فرآیند «گزیر» گرفت. قانون بانک مرکزی پنج راه‌حل برای موسسات اعتباری ناتراز پیش‌بینی می‌کند:
۱. فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های موسسه اعتباری در حال گزیر به موسسه اعتباری دیگر،
۲. انتقال باقی‌مانده دارایی‌ها و بدهی‌ها به یک موسسه اعتباری

در گزارش مرکز آمار ایران است. طبق اعلام مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه در مهر ماه سال جاری ۴۸.۶ درصد و تورم سالانه ۳۸.۹ درصد ثبت شده است.



**پایین ماندن نرخ ارز رسمی، از رشد تورم جلوگیری می‌کند؟**

دنیای اقتصاد به تبعیت از نظرات کارشناسی و صاحب‌نظران اقتصادی، در گزارش‌های زیادی به دلایل وقوع جهش‌های تورمی و راه‌کارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مهار تورم پرداخته است. به تازگی دنیای اقتصاد در گزارشی با عنوان «مثلث سیاستی مهار تورم» اعلام کرده بود که رفع چالش تورم، به اقدامات اصلاحی در هر سه حوزه نظام بانکی، ساختار بودجه و سیاست‌های ایجاد ثبات ارزی به صورت همزمان نیازمند است. به بیان دیگر سیاستگذار می‌تواند با برقراری آرامش در فضای سیاسی و رفع نااطمینانی‌ها، از افزایش انتظارات تورمی به عنوان موثرترین عامل برهم زننده ثبات بازار ارز، جلوگیری کند. از سوی دیگر کارشناسان معتقدند ثبات بازار ارز به معنی تعیین سقفی ثابت برای ارز رسمی نیست.

به بیان دیگر، در مقابل ایده رشد بسیار آهسته نرخ ارز رسمی، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند در شرایط تنش سیاسی و حتی وقوع جنگ، طبیعی است که نرخ دلار به عنوان اصلی‌ترین لنگر انتظارات تورمی، افزایش شدیداً را تجربه کند و با فروکش کردن نااطمینانی‌ها به سطوح پایین تر بازگردانده شود. در چنین شرایطی بانک مرکزی اگر به صرف منابع برای پایین و ثابت نگه داشتن نرخ ارز در بازار رسمی بپردازد، ممکن است از اصلی‌ترین مسوولیت خود یعنی حرکت در مسیر کنترل تورم باز بماند.

#### اجبار به افزایش نقدینگی

رئیس کل بانک مرکزی در بخشی از سخنان خود به عملکرد بانک مرکزی در حوزه اصلاح نظام بانکی اشاره کرد. او در سخنان خود به بهبود کفایت سرمایه و طبقه بندی بانک‌ها در قالب شش بانک تخصصی خبر داد. به گفته او شاخص کفایت سرمایه شبکه بانکی در حال حاضر به ۴،۵۴ رسیده است و به زودی هدف ۸ درصد تعیین شده توسط برنامه محقق خواهد شد. او در ادامه با اشاره به سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی در حوزه رشد نقدینگی و نرخ رشد تورم اشاره کرد و در خصوص دلایل افزایش نرخ رشد نقدینگی گفت: «به دلیل بروز انسداد پولی، به چند دلیل مجبور به افزایش نقدینگی شدیم. افزایش ریپوی بانک مرکزی به دلیل حجم بالایی که بابت انتشار اوراق دولتی در قانون پیش‌بینی شده است و همچنین اجرای بخشی از ماده ۴۶ رفع موانع تولید از موارد رشد نقدینگی در ماه‌های اخیر بوده است». او افزود: «ازادسازی ذخیره قانونی بانک‌ها برای پرداخت صف طولانی تسهیلات ازدواج در سال گذشته نیز از دلایل افزایش نرخ رشد نقدینگی بود. بر همین اساس ۵۰ درصد بالاتر از تکلیف قانونی و برای کاهش صف تسهیلات ازدواج و فرزند این تسهیلات توسط شبکه بانکی پرداخت شد».

#### افزایش نقش بانک مرکزی در بازار طلا

رئیس کل بانک مرکزی در خصوص سیاست‌های ارز و تکالیف بانک مرکزی، به توسعه و تعمیق بازار رسمی ارز و توسعه تالارهای و ابزارهای ارزی در مرکز مبادله اشاره کرد. رئیس هیات عالی بانک مرکزی در تشریح دیگر اقدامات بانک مرکزی در حوزه ارز گفت: «افزایش نقش بانک مرکزی در بازار طلا انتظام بخشی به بازار رمز پول‌ها، تلاش در جهت تقویت حکمرانی ریال، تأمین مالی ارزی از طریق طراحی و عملیاتی‌سازی ابزارهای تأمین مالی از جمله اوراق مریاجه که تاکنون بیش از ۲۰۰میلیون دلار از این اوراق فروخته شده است و راه‌اندازی تالار دوم در راستای اجرای تکالیف قانونی برای صادر کنندگان، از مهم‌ترین اقدامات این بانک در این حوزه بوده است.»

#### شروط تحقق اهداف برنامه هفتم

رئیس کل بانک مرکزی در تشریح چالش‌ها و موانع دست‌یابی به اهداف برنامه هفتم توسعه گفت: «دستیابی به اهداف برنامه هفتم با روش کنونی تأمین مالی کشور امکان‌پذیر نیست. بیش از ۹۰ درصد تأمین مالی کشور به عهده نظام بانکی است که واجد آثار تورمی و نقدینگی است. از سویی کسری بودجه دولت باعث ضعف در منابع پایه پولی کشور شده و این امر باعث اختلال در تأمین مالی بخشی خصوصی شده است. فشار در مقررات تجاری وجود رویه‌های متفاوت برای واردات و صادرات بدون نظارت و تنظیم‌گری بانک مرکزی از دیگر موانع تحقق اهداف برنامه هفتم است.» به گفته فرزین: «موضوع کسری سرمایه بانک‌های دولتی و عدم تعیین تکلیف بدهی دولت به نظام بانکی از دیگر موانع دست‌یابی به اهداف برنامه توسعه است.»

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات ارزی به ارزش معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد. با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسید.مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱.۱میلیون درهم، ۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار برآورد می‌شود.

بازار ارز تجاری در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار ارزی کشور، تأمین نیازهای ارزی بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل ارز، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، ارزی و تجاری آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله ارز و طلای ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران به ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع ارز، ۹۳میلیارد و ۸۱۳میلیون دلار، ۲۲میلیارد و ۵۰میلیون درهم، ۴۳.۳میلیون یورو، یکمیلیارد روپیه، ۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون ین و ۳میلیارد و ۶۲میلیون روبل بوده است.

<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>۳</b> تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت‌نشده موسسه اعتباری در حال گزیر به سهام در چارچوب قوانین مربوط، ۴. ادغام موسسه اعتباری در حال گزیر در یک موسسه اعتباری دیگر با تأیید مجمع عمومی موسسه ادغام‌شونده و ۵. انحلال موسسه اعتباری در حال گزیر، در خصوص بانک آینده، در حال حاضر گزینه‌ی «انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها» برگزیده شد. اقدامی که نه به معنای انحلال یا ادغام، بلکه انتقال دارایی‌های باکیفیت و تعهدات جاری به بانک ملی ایران است تا تداوم عملیات بانکی برای مشتریان بانک آینده سابق تضمین شود. در این فرآیند، نقش «صندوق ضمانت سپرده‌ها» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این صندوق نته‌تنها به‌عنوان «مدیر گزیر»، مسوولیت جریان هرگونه هزینه مزاد بانک ملی ایران را در فرآیند انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها برعهده دارد، بلکه با بهره‌گیری هدفمند از دارایی‌های بانک آینده و ایجاد جریان نقدینگی مناسب از محل تعیین تکلیف آنها، می‌تواند ذیل بانک مرکزی آثار پولی و تورمی ناشی از اضافه‌برداشت‌های چندساله این بانک را به نحو صحیح مدیریت کند. چنین مداخله‌ی قانون‌محوری، نخستین آزمون واقعی عملکرد «صندوق ضمانت سپرده‌ها» در مدیریت گزیر شبکه بانکی کشور به‌شمار می‌رود.</span></div>
<p>پیداسازی فرآیند گزیر از دو منظر حیاتی معنا دارد: نخست، صیانت از حقوق سپرده‌گذاران و جلوگیری از بحران‌های اجتماعی ناشی از ورشکستگی بانکی و دوم، اعمال اصلاح نظام بانکی از طریق حل و فصل بانک‌های ناتراز است. از دید کلان، فعالیت بانک آینده نشان داد که هزینه‌های عمیق پایبندی به اصول انضباط مالی چقدر سنگین است و چطور می‌تواند آثار عمیق بر اقتصاد کشور بر جای گذارد. اجرای فرآیند گزیر، آثار نظارتی و ساختاری قابل توجهی بر شبکه بانکی بر جای خواهد گذاشت و اساساً گام موثری در جهت احیای اعتبار و اقتدار مقام ناظر بانکی خواهد داشت. در واقع، این اقدام بانک مرکزی یک نقطه عطف راهبردی در تاریخ بانکداری ایران و نظارت بر بانک‌ها است، چرا که علاوه بر اصلاح نظام بانکی، پیام آشکاری برای سایر بانک‌ها و موسسات اعتباری ارسال کرد. این پیام صراحتاً به این موضوع اشاره دارد که از این پس، بانک‌هایی که در مسیر ناترازی گام بردارند، دیر یا زود وارد فرآیند گزیر خواهند شد. این سیاست، مقدمه‌ای بر گذار از نظرات همراه با مصلحت‌اندیشی و مماشات، به سوی اقدام قاطع است. اقدامی که بانک مرکزی با پشتوانه قانون و ابزارهای نظارتی نوین، آن را عملیاتی کرده است و چهره‌ای تازه از حاکمیت پولی را در برابر شبکه بانکی ترسیم می‌نماید.</p>
<p><b>خودرو؛ متهم آلودگی هوا</b></p> <p>را از مهم‌ترین دلایل افزایش مرگ و میر در اثر آلودگی کلان‌شهرها دانسته که اثرگذاری نوع وسیله نقلیه در دودزاشدن و مه آلودکردن هوای کشور متفاوت است. برای مثال شرکت کنترل کیفیت هوا در تازه‌ترین گزارش خود با عنوان بررسی نقش ذرات معلق ساینده از آلودگی هوای تهران به این مهم اشاره کرده که ۸۳درصد از آلودگی گازری در هوای تهران و همچنین سهم ۶۰درصدی در تولید ذرات معلق (PM)، به‌طور مستقیم به تردد وسایل نقلیه (شامل موتورسیکلت، سواری، عمومی و دیزلی) بازمی‌گردد. در این میان دو عامل اصلی به‌صورت ویژه مشکل‌ساز هستند؛ اول اینکه بسیاری از خودروهای بنزینی داخلی فاقد کاتالیست باکیفیت یا بادام کافی هستند. در غیاب نظارت موثر، این قطعات پس از مدتی از کار می‌افتند که به‌طور مستقیم منجر به افزایش آلودگی‌ها از سمت این خودروها می‌شود و دیگر اینکه بخش قابل‌توجهی از کامیون‌ها و اتوبوس‌های سنگین دیزلی از فناوری‌های منسوخ استفاده می‌کنند. این</p>

## عقب‌نشینی سه روزه بورس



**۹ فر حناز نعمتی** – معاملات دیروز بورس تهران باز هم در فضایی متاثر از فشار فروش سهامداران خرد دنبال شد. شاخص کل که در آغاز دادوستدها تا سطح ۳میلیون و ۱۲۲هزار واحدی پیشروی کرده بود.

در ادامه تحت‌تاثیر افزایش عرضه‌ها مسیر نزولی در پیش گرفت و در نهایت با کاهش ۰.۲۶ درصد در سطح ۳میلیسون و ۱۰۶ هزار واحد برای سسومین روز متوالی متوقف ششد. به این ترتیب، شاخص اصلی بازار سهام که معاملات سه‌شنبه را ابتدا در محدوده مثبت آغاز کرده بود، در نیمه دوم دادوستدها با غلبه فروشندگان، وارد محدوده منفی تابلو شد و کار خود را در محدوده سرخ به پایان رساند.

شاخص اصلی بازار سهام پس از ثبت سقف جدید در ۱۲ آبان امسال وارد مسیر کاهشی شد. جدال بازیگران اصلی در محدوده سقف تاریخی، به پیروزی فروشندگان منجر شد و شاخص بورس با افت قابل‌توجهی به کف ۳میلیون و ۱۰۰هزار واحد رسید. هرچند منفی‌های بازار، با استقبال خریدارها روبه‌رو می‌شود، اما همچنان سایه فشار عرضه‌ها بر سر بازار سنگینی می‌کند. شاخص کل بر اساس سنسارپوهای مختلف می‌تواند به حمایت‌های مختلف پناه ببرد. با توجه به آنکه انتظارات اهالی بازار سرمایه در خصوص متغیرهای اقتصاد برآورده نشده و در خصوص برخی از این عوامل، ابهاماتی وجود دارد، بر اساس اظهارات تکنیکالیست‌ها، نماگر اصلی بورس می‌تواند تا محدوده ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد نیز کاهش یابد.

کاهش میانگین ارزش معاملات در چند روز اخیر نیز نشانه‌هایی از اصلاح اندک را مخابره می‌کند. اما در صورت عدم پدیدارشدن محرک جدید، شاخص وارد اصلاح زمانی خواهد شد. کاهش بیشتر ارزش معاملات سبب خواهد شد تا نماگر اصلی تا ۳میلیون و ۸۵۰هزار واحد نیز کاهش یابد. فعال‌شدن هر یک از محرک‌های مورد انتظار بازار نظیر نرخ ارز، تغییر قیمت خوراک پتروشیمی‌ها، شفاف‌سازی در خصوص انتقال ارز فولادی‌ها و سایر صنایع به تالار دوم توافقی، شرایطی را پدیدار خواهد کرد که می‌توان



### خروج ارز تجاری از رخوت

بازار سهام در ماه‌های اخیر چهره‌ای دوگانه از خود به نمایش گذاشته است؛ از یک سو شاخص کل بورس با نشتایی نسبتاً قابل‌توجه از کف شهرپورماه فاصله گرفته و بازدهی ۳۶درصدی را تا سقف ۱۲آبان امسال به ثبت رسانده، اما در سوی دیگر بخش عمده‌ای از سهام حاضر در بازار همچنان با عقب‌ماندگی و ضعف نقدشوندگی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران مواجه‌اند.

داده‌های آماری تازه نشان می‌دهد که تنها حدود ۲۰درصد از نمادهای بورسی توانسته‌اند عملکردی بهتر از شاخص کل داشته باشند، در حالی که ۴۵درصد از نمادها بازدهی کمتر از شاخص ثبت کرده و حدود ۴۵درصد از کل شرکت‌ها از ابتدای موج جدید رشد بازار، بازدهی منفی داشته‌اند. این آمار در حالی منتشر شده که بیش از نیمی از ارزش بازار، یعنی حدود ۵۶درصد، در اختیار همان اقلیت نمادهایی است که عملکرد بهتری نسبت به شاخص کل داشته‌اند.

به بیان دیگر، گرچه تنها ۲۰ شرکت رشد قابل‌قبولی تجربه کرده‌اند، اما همین گروه کوچک به‌دلیل وزن سنگین خود در شاخص، بخش عمده‌ی رشد ظاهری بازار را رقم زده‌اند. این وضعیت را می‌توان مصادقی روشن‌ش از تمرکز رشد در نمادهای بزرگ دانست؛ وضعیتی که به‌ویژه در دوره‌های رکود عمومی و بی‌اعتمادی به بازار، بارها در بورس تهران تکرار شده است.

#### شکاف نقدشوندگی

یکی از متغیرهای کلیدی که در شکل‌گیری این تمرکز تاثیر بسزایی داشته، محدود شدن دامنه نوسان قیمت سهام به حدود سه درصد است. اگرچه سیاستگذار بورسی هدف از این اقدام را کنترل هیجانات و جلوگیری از ریزش‌های سنگین اعلام کرده است، اما در عمل، کاهش دامنه نوسان باعث شده تا جریان نقدینگی از سهام کوچک‌تر که به‌طور سنتی نوسانات بیشتری دارند، خارج شود. در شرایطی که خروج از صف‌های فروش دشوار و زمان‌بر شده، سرمایه‌گذاران حقیقی ترجیح داده‌اند دارایی خود را در نمادهایی با نقدشوندگی بالاتر و وزن سنگین‌تر متمرکز کنند.

دامنه نوسان محدود همچنین به ایجاد صف‌های پایدار در بازار منجر شده است؛ پدیده‌ای که در نمادهای کوچک‌تر شدت بیشتری دارد. در هفته‌های اخیر، به‌ویژه پس از بالا گرفتن تنش‌های نظامی میان ایران و اسرائیل، بسیاری از این نمادها وارد صف فروش شده و عملاً امکان معامله پیدا نکرده‌اند. در چنین شرایطی، نقدشوندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد در بازار سهام، به‌شدت آسیب دیده است. سرمایه‌گذارانی که تجربه‌ی قفل شدن سرمایه در صف‌های فروش را دارند، به‌سختی حاضر می‌شوند دوباره به سهام کوچک ورود کنند، حتی اگر نسبت‌های بنیادی آنها جذاب به نظر برسد.

افزایش تنش‌های منطقه‌ای و درگیری‌های مستقیم یا غیرمستقیم ایران با اسرائیل نیز به این وضعیت دامن زده است. بازار سرمایه، به‌ویژه در ایران که به‌طور تاریخی به متغیرهای غیراقتصادی حساس است، نسبت به نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک واکتور سریع نشان می‌دهد. در روزهایی که خبر از تبادل آتش یا تهدیدهای متقابل منتشر می‌شود، معمولاً نخستین واکنش بازار خروج نقدینگی از سهم‌های کوچک و پرریسک است. سرمایه‌گذاران خرد که بخش عمده‌ای از معاملات روزانه را تشکیل می‌دهند، به‌صورت غریزی به سمت سهامی حرکت می‌کنند که پشتوانه‌ی بنیادی و مالی قوی‌تری دارند یا به لحاظ روانی، امن‌تر تلقی می‌شوند.

صندوق‌های با درآمد ثابت، در حال حاضر مانع از بازگشت پایدار شاخص‌ها به مسیر صعودی شده است.

#### جابه‌جایی سهام

یکی از مؤلفه‌های اصلی پویایی بازار سهام، گردش مستمر مالکیت سهام میان بازیگران مختلف بازار است. زمانی که معاملات در وضعیت رکودی فرو می‌رود و بخش عمده‌ای از سهام در اختیار گروه محدودی باقی می‌ماند، عمق و نقدشوندگی بازار کاهش یافته و قیمت‌ها از ارزش‌های واقعی فاصله می‌گیرند. در مقابل، جابه‌جایی مداوم سهام بین سرمایه‌گذاران حقیقی کوتاه‌مدت و حقوقی‌های بلندمدت، به بازتعریف ارزش ذاتی شرکت‌ها و کشف قیمت منصفانه‌تر منجر می‌شود. کارشناسان معتقدند، اصلاح قیمت نیز در چنین فرآیندی نه‌تنها امری منفی نیست، بلکه بخشی ضروری از سازوکار سالم بازار به شمار می‌آید. این اصلاحات با تخلیه هیجانات، از شکل‌گیری حباب‌های قیمتی جلوگیری کرده و زمینه بازگشت تعادل، اعتماد و توزیع مجدد ریسک را فراهم می‌کنند.

در واقع، نوسانات مقطعی و جابه‌جایی سهام، نشانه‌ای از ضعف بازار نیست؛ بلکه بازتابی از سلامت، کارایی و بلوغ تدریجی ساختار بورس در مسیر پایداری و تعادل بلندمدت است. در روزهای اخیر، فشار عرضه در اغلب نمادها محسوس بوده است. کارشناسان معتقدند با توجه به رشد نسبتاً پرشتاب شاخص در دو ماه اخیر و رسیدن آن به محدوده روانی ۳میلیون و ۲۵۰ هزار واحد، بخشی از سرمایه‌گذاران اقدام به سیو سود کرده‌اند. با این حال، پس از اصلاح اخیر، شاخص کل به محدوده‌های قیمتی مهمی رسیده است. از منظر تکنیکال، محدوده سه‌میلیون واحد سطح حمایتی مهم برای شاخص محسوب می‌شود و در صورت شکست آن، سطح بعدی حوالی دو میلیون و ۹۵۰ هزار واحد قرار دارد.

#### آبان سخت بورس؟

برخی از تحلیلگران معتقدند، بورس تهران تا پایان آبان‌ماه شاهد دوره‌ای از سکون و احتیاط خواهد بود. با توجه به اینکه زمان انتشار صورت‌های مالی شش‌ماهه حسابرسی‌شده و تلفیقی شرکت‌ها تا پایان آبان ادامه دارد و خبری از تحولات بودجه‌ای جدید نیز نیست، احتمالاً بازار در دو هفته پیش‌رو در فاز اصلاح استراحت قرار خواهد داشت. به نظر می‌رسد در غیاب محرک‌های قوی و اخبار جدید، شاخص بورس در کوتاه‌مدت در محدوده‌های فعلی نوسان خواهد داشت. در این میان، سرمایه‌گذاران باید توجه بیشتری به گزارش‌های عملکرد ماهانه شرکت‌ها داشته باشند؛ این گزارش‌ها می‌توانند مسیر حرکت گروه‌ها و صنایع را در آذرماه مشخص کنند. در چنین فضایی، کارشناسان توصیه می‌کنند بخشی از پرتفوی سرمایه‌گذاران در دارایی‌های کم‌ریسک‌تر مانند صندوق‌های درآمد ثابت یا ابزارهای مبتنی بر طلا نگهداری شود تا ضمن حفظ نقدشوندگی، فرصت مناسب برای ورود مجدد به سهام نیباید در سطوح جذاب فراهم شود. در همین رابطه هانف شاملو، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» به وضعیت این‌روزهای بورس تهران پرداخت. او می‌گوید که ممکن است اصلاح شاخص‌های سهامی در روزهای آینده نیز ادامه یابد.

این کارشناس اظهار کرد: فشار فروش در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز در روزهای اخیر موجب شده معاملات بازار از میانه روز به بعد در محدوده منفی دنبال شود؛ موضوعی که حتی صندوق‌های اهرمی را نیز به محدوده فروش رسانده است. بر اساس تحلیل تکنیکال، شاخص کل بورس پس از رشد قابل‌توجه از محدوده ۳میلیون و ۴۰۰ هزار واحد تا سقف تاریخی خود، وارد فاز اصلاحی شده است. این اصلاح را می‌توان به عنوان موج نخست استراحت تلقی کرد که در صورت حفظ محدوده ۳میلیون و ۷۰ هزار واحد، احتمال بازگشت موقت بازار و شکل‌گیری موج «B» صعودی وجود دارد. در غیر این صورت، ادامه فشار عرضه می‌تواند شاخص را به سطوح پایین‌تری هدایت کند. هانف شاملو با بیان اینکه از روز چهارشنبه تغییرات جدیدی در کارمزد صندوق‌های اهرمی و سهامی اعمال می‌شود، گفت: موضوعی که از منظر روانی بر رفتار فعالان بازار تاثیر گذاشته است. افزایش کارمزدها از ۰.۲ به ۰.۴ درصد هرچند تاثیر بنیادین بر بازدهی ندارد، اما به گفته فعالان، در کوتاه‌مدت موجب احتیاط بیشتر نوسان‌گیرها و کاهش حجم معاملات شده است.

او در مورد وضعیت صنایع و معاملات درون‌گروهی نیز بیان کرد: در شرایط فعلی، نمادهای کوچک‌تر و صنایع متوسط همچون سیمان، دارو و برخی تک‌سهم‌های زودتر اصلاح‌کرده، عملکردی بهتر نسبت به شاخص کل دارند. این موضوع بیانگر آن است که بخشی از نقدینگی در حال جابه‌جایی از سهام بزرگ به نمادهای کوچک‌تر است؛ الگویی که معمولاً در میانه فاز اصلاحی بازار مشاهده می‌شود.

به گفته این کارشناس، در صورتی که شاخص کل بتواند محدوده روانی ۳میلیون و ۷۰ هزار واحد را حفظ کند، می‌توان انتظار داشت که بازار وارد موج صعودی کوتاه‌مدتی شود. در این میان، چند عامل کلیدی می‌تواند در آینده روند بازار اثر گذار باشد: کاهش احتمالی نرخ بهره بانکی از سوی بانک مرکزی که می‌تواند جذابیت بازار سهام را افزایش دهد، افزایش نرخ تسعیر ارز شرکت‌ها در صورت تداوم رشد نرخ دلار توافقی تا محدوده ۹۵ تا ۱۰۰ هزار تومان و تحولات سیاست خارجی و کاهش تنش‌های بین‌المللی که می‌تواند انتظارات مثبت در میان فعالان بازار ایجاد کند. هانف شاملو در پایان اظهارات خود افزود: بازار سهام پس از رشد قدرتمند دو ماه اخیر اکنون در فاز اصلاح طبیعی قرار دارد. در این مقطع، حفظ محدوده حمایتی ۳میلیون و ۷۰ هزار واحد برای شاخص کل از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین مسیر سرمایه‌گذاران با تنوع‌بخشی به سبد دارایی شامل صندوق‌های طلا، اهرمی و سهامی و پرهیز از تمرکز بر تک‌سهم‌ها، ریسک خود را مدیریت کنند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که ماه‌های آبان و آذر معمولاً کف‌های قیمتی بازار را شکل می‌دهند و می‌توانند مقدمه‌ای بر شوک ریوگ روند صعودی در ماه‌های پایانی سال باشند.

## کوچک‌های بیگانه بورس

در حالی که نرخ دلار آزاد با افت همراه شد، مرکز مبادله ارزی سهم مبادله ارزکی به سمت بی‌سابقه است و نشان می‌دهد سیاستگذار پولی با هدف کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی و آزاد، گام تازه‌ای در مسیر تحقق نظام تک‌نرخ‌ی ارز برداشته است.

در شرایطی که بازار آزاد ارز در روز جاری با کاهش ۳۲۰ تومانی نرخ ارز تمایل به صعود پیدا می‌کند و همین امر باعث بهبود درآمدهای متفاوت و کم‌سابقه بود. نرخ توافقی دلار در این مرکز با رشد ۰.۸ درصدی به ۷۳ هزار و ۸۱ تومان رسید که بالاترین سطح از ابتدای سال است؛ رشدی که در مقایسه با میانگین روزانه ۰.۰۲ درصدی، یک جهش قابل‌توجه محسوب می‌شود و نشانه‌ای از تغییر جهت سیاست ارزی دولت در مسیر تک‌نرخ‌ی شدن ارز تلقی می‌گردد.

بر اساس داده‌های رسمی بانک مرکزی، از ابتدای سال تا ۱۹ آبان ۱۴۰۴، بیش از ۵۷.۲میلیارد دلار ارز برای واردات کالا و خدمات تأمین شده است که از این میزان، حدود ۲۵.۶میلیارد دلار به بخش تجارت و بازرگانی تخصیص یافته است. تمرکز بیش از اندازه در صنایع حمل‌ونقل و خودرو (۵۵.۳میلیارد دلار)، تجهیزات برق و الکترونیک (۳.۳میلیارد دلار) و ماشین‌آلات تولیدی (۳میلیارد دلار) نشان می‌دهد که دولت با اولویت‌دهی به بخش‌های مولد و پیشران، در حال هدایت منابع ارزی به سوی توسعه صنعتی است.

همچنین داده‌های اخیر بانک مرکزی نشان می‌دهد که تمرکز بر بخش حمل‌ونقل و خودرو می‌تواند زمینه‌ساز احیای بخشی از ظرفیت‌های تولیدی در صنایع وابسته به واردات قطعات و تجهیزات باشد.

## کوچک‌های بیگانه بورس

در مقابل، شرکت‌های بزرگ صادرات‌محور یا نمادهای وابسته به کالاها، جهانی، از چنین شرایطی کمتر آسیب می‌بینند یا حتی گاهی منتفع می‌شوند. در دوره‌های افزایش تنش سیاسی، معمولاً نرخ ارز تمایل به صعود پیدا می‌کند و همین امر باعث بهبود درآمدهای ریالی شرکت‌های صادراتی می‌شود. این گروه از نمادها، که وزن بالایی در شاخص کل دارند، توانسته‌اند رشد شاخص را رقم بزنند و در عین حال، تصویری خوش‌رنگ از کلیت بازار ارائه دهند؛ تصویری که در واقعیت، با وضعیت اکثریت نمادها همخوانی ندارد.

#### جدایی شاخص از بازار

در ظاهر، رشد شاخص کل می‌تواند نشانه‌ای از بهبود عمومی بازار تلقی شود، اما وقتی فقط ۲۰درصد از شرکت‌ها بهتر از شاخص عمل کرده‌اند، معنای دقیق‌تر این شاخص تغییر می‌کند. در واقع، شاخص کل بیشتر از آنکه بازتاب‌دهنده «میانگین عملکرد بازار» باشد، نشان‌دهنده‌ی وضعیت چند شرکت بزرگ است. این موضوع از سال‌ها پیش در بورس تهران، مورد انتقاد فعالان بازار بوده، اما در مقطع فعلی که دامنه نوسان و محدودیت‌های معاملاتی شدت یافته، این شکاف بیش از همیشه آشکار شده است.

به زبان ساده‌تر، رشد شاخص به معنای سودآوری همگانی نیست. بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد که در سبب خود سهام متوسط یا کوچک دارند، در حالی شاهد رشد روزانه‌ی شاخص هستند که پرتفوی آنها یا ثابت مانده یا حتی کاهش یافته است. این تضاد میان شاخص و تجربه‌ی واقعی سرمایه‌گذاران، یکی از عوامل اصلی بی‌اعتمادی کنونی به بازار به شمار می‌رود. اخیراً بورس تهران اعلام کرده، که احتمالاً شاخص‌های جدیدی را برای صندوق‌ها و نمادهای کوچک یا شاخص سهامداران خرد را طراحی خواهد کرد که احتمالاً این نوع از شاخص‌ها معیار بهتری را برای سنجش عملکرد بازار ارائه خواهند کرد.

#### هزینه‌های پنهان احتیاط

کاهش دامنه نوسان و سایر محدودیت‌های معاملاتی اگرچه در ظاهر با هدف کاهش نوسان و حفظ ثبات بازار اعمال می‌شوند، اما در باطن هزینه‌های سنگین به همراه دارند. یکی از مهم‌ترین این هزینه‌ها، کاهش عمق بازار و تضعیف نقش کشف قیمت است. در بازار کی قیمت‌ها به سختی می‌توانند تغییر کنند، انگیزه‌ی معامله‌گران برای خرید و فروش نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه، حجم معاملات پایین می‌آید و ارزش معاملات روزانه به سطحی می‌رسد که نمی‌تواند مبنای تحلیلی برای روند کلی بازار باشد. به طوری که با وجود رشد بازار، همچنان ارزش معاملات در سطوح ۱۲ تا ۱۵همتی قرار دارند. در صورتی که با بازگشایی دامنه نوسان این اعداد می‌توانند به بالای ۳۰همت در روزهای خوب بازار افزایش یابد.

در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران حقوقی و صندوق‌های بزرگ که قدرت نقدشوندگی بالاتری دارند، می‌توانند با حجم‌های محدود، روند قیمتی را در نمادهای سنگین‌تر هدایت کنند. نتیجه این موضوع، پدیدآمدن بازاری است که ظاهر آن مثبت است، اما بدنه‌ی آن در رکود فرو رفته است. ادامه‌ی این وضعیت در میان‌مدت می‌تواند به از بین رفتن اعتماد عمومی و خروج سرمایه‌گذاران حقیقی از بازار منجر شود؛ رخدادی که پیش‌تر نیز در مقاطع مشابه تجربه شده است.

#### احتیاط و انتظار

#### بورس و بانک

# دراقتصاد

چهارشنبه ۰۶ اسفند ماه ۱۴۰۴ | شماره ۸۷۰ www.marzeghtesad.ir

#### ♥ سال درخشش شوینده‌ها

صنعت شوینده در سال جاری برخلاف سال‌های گذشته وضعیت پایدارتر و همین‌طور بهتری از منظر رشد سودآوری و درآمد پش‌تر گذاشته است. از منظر تولیدات طی هفت ماه نخست امسال، میزان افزایش شوینده‌ها ۱۷درصد نسبت به مدت مشابه افزایش‌یافته و نزول تولیدات سال گذشته این صنعت جبران شده‌است.

از منظر درآمدی نیز ۸۴درصد به فروش صنعت شوینده طی هفت ماهه ابتدای امسال افزوده شده‌است، باین‌حال به‌دلیل نرخ‌گذاری دستوری حاشیه سود صنعت شوینده به‌رغم رشد قابل‌توجه مقادیر تولید و درآمد طی سال جاری همچون میانگین تاریخی در سطح ۲۲درصد ثابت باقی‌مانده‌است. ماهیت مصرفی و همیشگی این محصولات باعث شده‌است تقاضا نسبتاً ثابت باقی بماند و این صنعت در میان نوسانات شدید صنایع دیگر مانند پتروشیمی و فلزات، عملکردی مقاوم‌تر از خود نشان دهد. اصلی‌ترین چالش‌های صنعت شوینده تأمین ارز ماده‌اولیه این صنعت است. از آنجا که نرخ‌گذاری این صنعت در سایه دستوری صورت می‌گیرد، وارداتی بودن بخشی از ماده‌اولیه صنعت موجب می‌شود تا افزایش نرخ ارز مستقیماً بر درآمد و سودآوری صنعت اثر بگذارد.

جبران عقب‌ماندگی تولیدی

بررسی مقادیر تولیدی شرکت‌های شوینده بازار سرمایه نشان می‌دهد که در ۱۳سال گذشته به‌طور میانگین در هر سال ۲۵هزار و ۵۵۵تن محصول از طریق تولیدکنندگان این حوزه به چرخه تولید درآمده است. می‌تواند در هر سال ۳درصد به تولیدات در هر سال افزوده شده‌است. در سال ۱۴۰۳ میزان تولیدات این‌گروه روند نزولی به خود گرفته‌است. در این سال مجموع تولیدات شرکت‌های شوینده بورس تهران با کاهش ۶درصدی نسبت به سال ماقبل به ۷۵۲هزار تن نزول یافته‌است.

در سال جاری خصوصاً سه‌ماهه دوم سال وضعیت تولیدات صنعت شوینده اوضاع بهتری را تجربه کرده‌است. طی تابستان امسال میزان تولیدات این گروه با رشد ۳۶درصدی نسبت به سال ماقبل به ۳۲۷هزار تن افزایش یافته‌است. در هفت ماهه نخست امسال تولیدات شرکت‌های شوینده بورسی ۴۹۶هزار و ۴۴۴تن به ثبت رسید که در قیاس با هفت ماه ابتدای سال گذشته ۱۷درصد بهبود یافته‌است. بیشترین میزان رشد مستقیمی تولیدان این صنعت مربوط به شرکت «پاکشو» است. این شرکت در هفت ماهه امسال مجموعاً ۴۷درصد به تولیدات خود افزود و ۱۸۵ هزار و ۷۷۱تن محصول به چرخه تولید درآورد.

چالش بزرگ صنعت شوینده

نوسانات نرخ ارز در سال‌های اخیر به مهم‌ترین عامل فشار بر صنعت شوینده تبدیل شده‌است. وابستگی بالای این صنعت به واردات مواد اولیه‌ای مانند سورفکتانت‌ها، اسانس‌ها و افزودنی‌های شیمیایی، باعث شده هر تغییر در قیمت دلار مستقیماً هزینه تولید را افزایش دهد. رشد نوسانات ارز، به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک‌تر که توان مالی و نقدینگی محدودی دارند، حاشیه سود را به‌شدت کاهش داده است. در مقابل، شرکت‌های بزرگ‌تری همچون پاکسان و شپاکسا با استفاده از قراردادهای بلندمدت تأمین مواد اولیه، تنوع‌بخشی به سبد محصولات و افزایش بهروزی در خطوط تولید، تا حدودی از اثر نوسانات ارز کاسته‌اند. همچنین بخشی از شرکت‌ها با تمرکز بر صادرات و درآمدهای ارزی تلاش کرده‌اند فشار افزایش هزینه‌ها را جبران کنند، اما چالش ارزی تنها به واردات مواد اولیه محدود نمی‌شود.

سیاست‌های قیمتی دولت و تورم داخلی نیز شرایط را برای تولیدکنندگان دشوارتر کرده‌است، درحالی‌که هزینه‌های انرژی، حمل‌ونقل و نیروی کار افزایش یافته، کنترل‌های قیمتی اجازه انتقال کامل این هزینه‌ها به مصرف‌کننده را نمی‌دهد، به‌همین‌دلیل، بسیاری از تولیدکنندگان برای حفظ سودآوری ناچار به افزایش بهروری، کاهش هزینه‌های غیرضروری و بازطراحی ساختار تولید خود شده‌اند. در مجموع، بی‌ثباتی ارزی همچنان تهدیدی جدی برای صنعت شوینده محسوب می‌شود. ثبات نرخ ارز، دسترسی آسان‌تر به منابع ارزی بـسیاری واردکنندگان و شفافیت در سیاست‌گذاری قیمتی، از دید کارشناسان بازار، مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تداوم رشد و سودآوری این صنعت به‌شمار می‌روند.

درپچه‌ای نوبه بازارهای منطقه‌ای

در سال‌های اخیر، بازارهای منطقه‌ای به یکی از محورهای اصلی رشد صنعت شوینده ایران تبدیل شده‌اند. شرکت‌های این حوزه با درک محدودیت‌های تقاضای داخلی و تاثیر سیاست‌های کنترل‌ی دولت بر قیمت‌گذاری، نگاه خود را به سمت کشورهای همسایه معطوف کرده‌اند؛ کشورهایی که هم از نظر فرهنگی و الگوی مصرف، نزدیکی قابل‌توجهی به بازار ایران دارند و هم ظرفیت بسالایی برای جذب محصولات شوینده ایرانی از خود نشان داده‌اند. رشد تقاضا در بازارهایی چون عراق، فیلیپین، سوریه و کشورهای حاشیه خلیج فارس فرصت تازه‌ای برای توسعه صادرات فراهم کرده‌است. برندهایی مانند شپاکسا و پاکسان طی دو سال گذشته با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صادراتی، افزایش تولید محصولات باکیفیت متناسب با استانداردهای منطقه و حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی، توانسته‌اند سهم خود را در بازارهای هدف گسترش دهند.

#### ▼ ترمز ارزی صادرات اصفهان

طی رویدادی در اصفهان از صادرکنندگان نمونه استان تقدیر شد. در این رویداد که جمعی از فعالان اقتصادی، مدیران استانی و ملی و نمایندگان بخش خصوصی حضور داشتند بر ضرورت بازطراحی سیاست‌های ارزی و تجاری، حمایت از صادرکنندگان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در توسعه صادرات تاکید شد.

در این رویداد همچنین بر نقش محوری صادرکنندگان در رشد اقتصادی و حفظ جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی، توسعه تجارت دانش‌بنیان و تسهیل مقررات ارزی و گمرکی تاکید شد.

امیر روشن‌بخش، معاون ارتقای کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران در این نشست با قدردانی از تلاش فعالان اقتصادی گفت: ارز باید ابزار توسعه تجارت باشد، نه وسیله‌ای برای تنظیم بازار. نگاه نادرست به ارز روند صادرات را مختل کرده و ناهماهنگی میان سیاست‌های بانکی و تجاری نیز موجب فاصله قیمتی در صادرات و واردات شده است.

وی تاکید کرد:صادرات فعلی کشور عمدتاً سنتی و مبتنی بر تجربه فردی است. دستیابی به رشد پایدار نیازمند سیاستگذاری علمی و حمایتی در حوزه ارزی و تجاری است تا صادرات نقش واقعی خود را در توسعه اقتصادی ایفا کند.

مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، صادرکنندگان را پرچمداران واقعی اقتصاد کشور دانست و گفت: با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌ها، این فعالان با جسارت نام‌ایران را در بازارهای جهانی زنده نگه‌داشته‌اند.

او کمبود زیرساخت‌ها و مشکلات ارزی را از مهم‌ترین موانع دانست و تاکید کرد: با هم‌افزایی دولت، مجلس و بخش خصوصی می‌توان این چالش‌ها را برطرف کرد. به گفته استاندار، استفاده از هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و پلتفرم‌های تخصصی صادراتی، مسیر بازاریابی و فروش محصولات اصفهان را متحول خواهد کرد.

امیر کشانی، رئیس اتاق بازرگانی اصفهان نیز با انتقاد از بی‌توجهی به نظرات بخش خصوصی در تدوین مقررات اقتصادی اظهار کرد: بر اساس قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دولت موظف است پیش از تصویب آیین‌نامه‌های اقتصادی با اتاق‌های بازرگانی مشورت کند، اما این قانون در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود.

او با اشاره به فشارهای قانونی و اداری بر صادرکنندگان گفت: بخشنامه‌های متعدد و متغیر باعث سردرگمی فعالان اقتصادی شده است. باید فرایندها تسهیل و سیاست‌های اقتصادی با رویکرد حمایتی نسبت به تولیدکننده و صادرکننده تدوین شود.

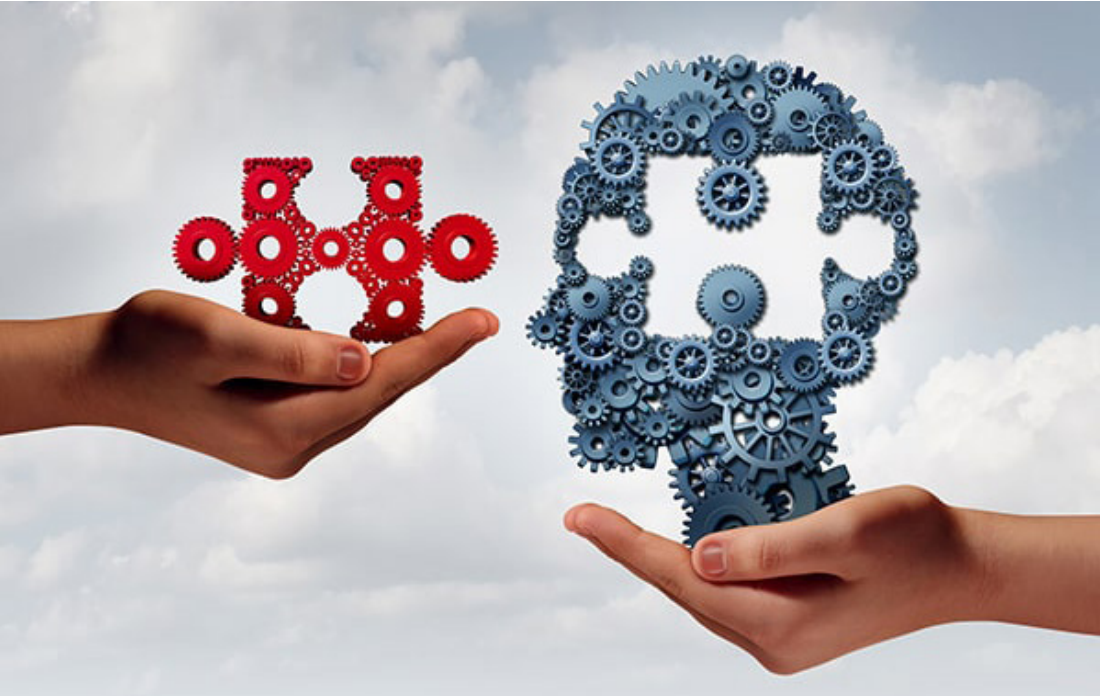
کشتانی افزود: کالاهای صادراتی استان در کمیسیون صادرات اولویت‌بندی و کشورهای هدف مشخص شده‌اند و با حمایت اتاق و مشارکت اعضا، حضور در نمایشگاه‌های تخصصی بین‌المللی افزایش خواهد یافت.فرشته امینی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات و مدیریت واردات و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز فضای مراسم تجلیل از صادرکنندگان را متفاوت توصیف کرد و گفت: در این فضا هر کالا و ایده‌ای اگر مسیر خود را درست پیدا کند، جای خود را در بازار جهانی باز خواهد کرد. امینی با اشاره به اینکه نقطه امنی در بازار بین‌المللی وجود ندارد، افزود: هوش مصنوعی امروز بخشی جدایی‌ناپذیر از تجارت جهانی است و شرکت‌ها باید به‌صورت آگاهانه و هدفمند از آن بهره ببرند. وی تاکید کرد: موفقیت در صادرات پایانی ندارد و صادرکننده‌ای که در مسیر یادگیری، نوآوری و تحلیل مداوم بازار حرکت کند، آینده‌ای روشن خواهد ساخت.

سیدیوسف قاضی‌عسگر، رئیس کمیسیون صنایع غذایی و عضو هیات‌نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز با اشاره به اهمیت نقش صادرکنندگان گفت: صادرکننده موفق باید تراز تجاری را بشناسد و با چالش‌های واردات و مالیات آشنا باشد.

وی با تاکید بر گسترش همکاری‌های بین‌المللی افزود: افزایش روزهای کاری مشترک با کشورهای هدف به توسعه تجارت کمک می‌کند. همچنین با استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی و تعامل سازنده با سازمان مالیاتی می‌توان موانع ارزش‌افزوده صادرکنندگان را برطرف کرد.

داود صافی، نایب رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی اصفهان، با اشاره به تهدیدهایی که آینده فلات مرکزی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده، گفت: باید اولویت‌ها را مشخص کنیم و توسعه دانش‌بنیان‌های صادرات‌محور را در جایگاهی بالاتر از خود صادرات قرار دهیم.

او با انتقاد از سیاست‌های ارزی دو سال اخیر افزود: در این مدت‌میلیاردها دلار از بازار صادراتی کشور از دست رفت، زیرا صادرکنندگان به دلیل محدودیت در بازگشت ارز با نرخ واقعی، از ادامه فعالیت بازماندند.مهدی طیفی، نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی، صادرات و ارزآوری را مسأله‌ای مرتبط با امنیت ملی دانست و گفت: مجلس در حال پیگیری توافق تجارت آزاد با پاکستان و توسعه همکاری با اتحادیه اوراسیاست. وی افزود: بیش از ۶۰ درصد صادرات کشور شامل کالاهای خام و کم‌ارزش است و باید به سمت محصولات با ارزش افزوده بالا حرکت کنیم.اصلاح قانون مبارزه با قاچاق و حمایت از صادرکنندگان از اولویت‌های کمیسیون اقتصادی مجلس است. صادق کریمی، سرپرست اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان، اصفهان را پیش از عرضه تولید و صادرات دانست و گفت: مشکلات بانکی و ترخیص کالا در حال پیگیری است و نتایج به‌تدریج نمایان خواهد شد.



## فاصله علم و تولید

**۶**
بیتا حسن پور – صنایع به منظور کاهش هزینه‌های تولید، ارتقا، نوآوری و جذب نیروی کار ماهر نیازمند ار تباط با دانشگاه هستند. تولید دانش و تربیت نیروی ماهر هم بر عهده دانشگاه است.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

سال‌ها است که از ارتباط دانشگاه و صنعت صحبت می‌شود، اما در عمل این رابطه تقویت نشده است. صنعتگران می‌گویند ارتباط قاعده‌مندی بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد و وضعیت فعلی مطلوب نیست. آنها می‌گویند اگر دانشگاه‌ها خروجی قابل قبولی ارائه دهند حاضر به صرف هزینه برای تقویت این پیوند هستند.

فعالان اقتصادی با اشاره به صنایعی که ارتباط خوبی با دانشگاه برقرار

کرده‌اند، از لزوم تغییر رویکردها صحبت می‌کنند و می‌گویند دانشگاه و صنعت باید نسبت به یکدیگر باور داشته باشند. یک اسناد دانشگاه نیز با مروری بر وضعیت فعلی و واقعیت‌های صنایع و دانشگاه‌ها در کشور، ساختار این دو بخش را عامل شکاف بین آنها می‌داند و می‌گوید تا زمانی که تحولات بنیادین رخ ندهد، در بر همین پاشنه می‌چرخد و بخش صنعت و دانشگاه هر کدام جداگانه به روزمرگی خود ادامه می‌دهند.

در همسن رابطه، علی اصغر جمعه‌ای، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: رابطه سیستم‌تیک بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد. هرچند رابطه عملیاتی چندانی هم وجود ندارد، با این حال ارتباط صنعت و دانشگاه نسبت به سال‌های گذشته بسیار تفاوت کرده و این ارتباط بهتر و بیشتر شده است. این روند حتی در حوزه گردشگری و کشاورزی نیز مشهود است. جمعه‌ای توضیح داد: اسناد دانشگاه با صنایع همکاری دارند، اما هنوز ارتباط بین صنایع و دانشگاه‌ها در قالب تفاه‌نامه‌ها ایجاد نشده است. با وجود اینکه ارتباط بین این دو بخش تقویت شده، اما رابطه بین دانشگاه و صنعت همچنان مطلوب نیست. فعالان اقتصادی

تعمای به سرمایه‌گذاری در این بخش را دارند و این کار جسته و گریخته انجام شده است، اما آنها انتظار دارند که خروجی قابل قبولی مشاهده کنند. وی افزود: مطالعات و تحقیقات در دانشگاه سبب ارتقای کیفیت، کاهش هزینه تولید و ایجاد نوآوری جدید در صنایع می‌شود. در بخش معدن ارتباط با دانشگاه باعث جلوگیری از تخریب معدن، به کارگیری اصول فناوریانه در انفجارها، استفاده کمتر از مواد نازره و بهره‌برداري بیشتر از تولید می‌شود. این ارتباط در تمام ابعاد موثر است و باعث تولید محصولات جدید و با استحکام می‌شود. برای مثال امروزه با بهره‌گیری از دانش، گچ‌های ضد آب و ضد حریق تولید می‌شود که قبلاً وجود نداشته است. عضو هیات نمایندگان اتاق ایران تصریح کرد: صنایعی که ارتباط با دانشگاه را تقویت کرده‌اند، موفق‌تر بوده‌اند. از جمله این صنایع، صنایع غذایی، صنعت لوازم خانگی، صنایع غیرفلزی و تا حدودی صنایع فلزی هستند.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.

یک دست که یک چرخ دنده را در دست دیگر می‌گیرد.



# امپراتوری جدید انرژی در شرق

**لیلا جلیلودو** – چین که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و واردکننده انرژی جهان است، امروز بیش از هر زمان دیگری در تلاش است وابستگی خود به منابع خارجی را کاهش دهد.

پکن طی پنج سال‌اخیر با تغییر راهبرد انرژی، مسیر خودکفایی حداکثری را درپیش گرفته و تنها از سال۲۰۱۹ تاکنون، سه غول نفت و گاز این کشور (پترولیوم چین، سینوپک و CNOOC) نزدیک به ۴۶۸میلیارد دلار صرف عملیات اکتشاف و حفاری کرده‌اند؛ رقمی که حتی از سرمایه‌گذاری شرکت‌هایی مانند آرامکو، اکسون‌موبیل و شل نیز پیشی گرفته‌است. نتیجه این هزینه‌کرد عظیم، بازگشت رشد به تولید داخلی و تبدیل‌شدن چین به یکی از اثرگذارترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان است؛ در شرایطی که دیگر نمی‌توان مانند گذشته، بازار انرژی را صرفا بر اساس اتکای جهان به تقاضای چین تحلیل کرد.

در این میان، یکی از نمادهای این تغییر بزرگ، نه در اتاق‌های سیاستگذاری پکن بلکه در دل آب‌های شمال شرقی چین دیده می‌شود. حدود ۲۰کیلومتر دورتر از بندر تیانجین، سازه‌ای عظیم از دل دریای بوهای سربرآورده است؛ سکوی ۱۱–CEPJ واقع در میدان نفت و گاز «کاتوفیدیان»، این سازه تنها یک سکوی فراساحلی نیست؛ بلکه نشانه‌ای عینی از پروژه‌ای است که ارزش امروز آن از ۴۷۰میلیارد دلار فراتر رفته و پیامش برای جهان روشن است: چین می‌خواهد بر شریان حیاتی انرژی خود کنترل بیشتری داشته‌باشد و وابستگی‌اش را به حداقل ممکن برساند.

**بازاری که تغییر می‌کند**

در دهه‌گذشته، اقتصاد جهانی به یک حقیقت عادت کرده‌بود: بیش از ۶۰درصد رشد تقاضای جهانی نفت از سوی چین می‌آمد. همین روند شرکت‌های بزرگ نفتی جهان را به سمت سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در LNG و پروژه‌های گاز طبیعی سوق داد. برای مثال شل، پیش‌بینی می‌کرد تقاضای گاز چین تا ۲۰۴۰ حدود ۶۰درصد افزایش یابد. آرامکو نیز چین را «بازار تضمین‌شده آینده» می‌نامید، اما تصویر امروز متفاوت است. رشد اقتصادی چین کندشده، خودروهای الکتریکی سهم بیشتری از بازار را گرفته‌اند و مهم‌تر از همه تولید داخلی نفت و گاز سرعت گرفته‌است.

تحلیلگران موسسه برنستین انتظار دارند تا پایان دهه‌جاری تولید داخلی گاز چین از رشد تقاضا پیشی بگیرد؛ اتفاقی که اشتباهی چین برای واردات LNG را به‌طور جدی کاهش می‌دهد. این تحول یک پیام عمده دارد: وابستگی جهان به بازار انرژی چین کاهش یافته و معادلات قدرت در بازار جهانی نفت و گاز در حال دگرگونی است.

**چین چگونه به این نقطه رسید؟**

ریشه این رویکرد تازه به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد. از دهه ۱۹۵۰ و پس از جدایی از شوروی، ذهنیت «اتکانشدن به بیرون» در سیاستگذاران انرژی چین نهادینه شد. کشف و توسعه میدان‌های نفتی قدیمی مانند «داکینگ» نماد همین نگاه بودند؛ توسعه داخلی، تکیه بر مهارت‌های بومی و ایستادگی دربرابر فشار خارجی، اما بحران سال۲۰۱۶، زمانی که تولید برخی میدانین نفت و گاز چین به دلیل هزینه بالا و قیمت پایین نفت بی‌صرف شد، زنگ خطر جدی‌تری را به‌صدادراورد.



## امضای دو قرارداد جدید برای تولید مخزن و تبدیل ۴۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز

نگاهی به لیست بزرگ‌ترین شرکت‌های خودرویی گویای این مساله است که تولید، مونتاژ و واردات به‌طور مشترک و همگی در دست چند شرکت محدود قرار دارد به‌طوری‌که سیاستگذاران خودرو با سپردن تولید، مونتاژ و واردات به‌دست چند شرکت محدود، در اصل حلقه‌ای از انحصار را تشکیل داده‌اند که رقابت در آن معنایی ندارد.

سه‌ضلعی انحصار در بازار خودرو

یکی از نکات پر تکرار در بحث‌های اقتصادی و رسانه‌ای، تقسیم ارز بین واردات، تولید و مونتاژ خودرو است. به‌طور مداوم این موضوع مطرح می‌شود که ارز واردات به مونتاژ اختصاص‌یافته یا ارز کالفی به تولید خودرو داده نمی‌شود. در ظاهر، این مساله به شکل یک رقابت بین بخش‌های مختلف مطرح می‌شود، اما وقتی همین شرکت‌ها که در تولید و مونتاژ خودرو فعالیت دارند، واردات را نیز انجام می‌دهند، این بحث‌ها بیشتر ماهیتی نمایشی پیدا می‌کند. بدین ترتیب در عمل، تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص ارز محلی از اعراب ندارد و همان شرکت‌های محدود که اسال‌ها ذی‌نفع رانت بوده‌اند، ارز را دریافت می‌کنند و آن را به تولید، مونتاژ یا واردات اختصاص می‌دهند.

ریشه وضعیت کنونی به دهها سیاستگذاری اقتصادی بازمی‌گردد؛ جایی که دولت با تخصیص رانت، تخصیص ارز، تسهیلات ویژه و محدودیت ورود رقیب، چند شرکت محدود را به‌عنوان ستون‌های اصلی صنعت خودرو ایجاد و تقویت کرد. این شرکت‌ها بدون برخورداری از شرایط رقابت واقعی، رشد کردند و توانستند بخش‌اعظم تولید، مونتاژ و واردات خودرو در را اختیار بگیرند، اما نکته کلیدی این است که با وجود این مساله، کنترل واقعی بازار و قدرت تصمیم‌گیری کلان، همچنان در اختیار دولت باقی مانده‌است؛ در واقع شرکت‌ها ابزارهایی هستند که دولت از طریق آنها عرضه خودرو را مدیریت می‌کند، قیمت‌ها را تحت‌نظارت دارد و تخصیص ارز و منابع مالی را کنترل می‌کند.

موضوع قیمت‌گذاری دستوری نیز به پیچیدگی این حلقه اضافه می‌کند. دولت قیمت خودروها را تعیین می‌کند و شرکت‌ها موظف به رعایت آن هستند. به ظاهر این سیاست با هدف حمایت از مصرف‌کننده و کنترل تورم اعمال می‌شود، اما اثر اصلی آن تقویت انحصار شرکت‌های محدود است. وقتی قیمت‌ها دستوری باشد، هیچ شرکتی نمی‌تواند با پایین‌آوردن قیمت یا نوآوری محصول، سهم بازار خود را افزایش دهد، در نتیجه فشاری که باید منجر به بهبود کیفیت، افزایش تنوع و نوآوری شود، عملا از بین می‌رود، بنابراین همین حلقه محدود نیز اساسا توان اینکه محصول باکیفیتی به مصرف‌کننده ارائه دهند، ندارد. علاوه بر این، تبلیغات و بحث‌های رسانه‌ای در مورد ارز و واردات خودرو، گاه مخاطب را به اشتباه می‌اندازد. در ظاهر، تصمیم‌گیری درباره تخصیص ارز بین واردات، مونتاژ و تولید، یک فرآیند مستقل و رقابتی است، اما در واقع، همان شرکت‌های محدود بازار هستند که تعیین می‌کنند چه مقدار ارز به کدام بخش اختصاص یابد. این شرکت‌ها با مدیریت تولید، مونتاژ و واردات، عملا خود تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و نقش رقابت در تخصیص منابع ارزی تقریبا بی‌معنی می‌شود.

**چرا مونتاژ؟**

نگاهی به روند تحولات صنعت و بازار خودروی کشور در چند سال گذشته نشان می‌دهد؛

در آن زمان تولید نفت چین سه سال حدود ۱۲درصد کاهش‌یافت. شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال۲۰۱۸ دستور صریح داد: تولید نفت و گاز باید افزایش یابد، به هر قیمت، پس از آن، سرمایه‌گذاری‌های داخلی رکورد زد. شرکت پترولیوم چین در سال۲۰۱۹ هزینه سرمایه‌ای خود را ۱۶درصد افزایش داد. شرکت‌های سینوپک و CNOOC نیز بیش از ۲۰درصد بر بودجه اکتشاف خود افزودند.

این هم‌زمان شد با افزایش قیمت نفت در جهان پس از جنگ اوکراین که باعث شد این شرکت‌ها نه‌تنها از بحران عبور کنند، بلکه در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ رکورد سودآوری را ثبت کنند. در همین‌مدت، چین نه‌تنها میدان‌های هیدروکربنی قدیمی را احیا کرده، بلکه به‌دنبال منابع جدید رفته‌است؛ تولید نفت و گاز از شیل، تزریق CO برای افزایش برداشت، حفاری‌های فوق‌عمیق نزدیک به ۱۰هزار متر و توسعه عظیم میدانین دریایی. امروز، پنجاه سال پس از اولین صعود بزرگ نفتی چین، منطقه بوهای در دریای چین شمالی‌ای بزرگ‌ترین قطب تولید نفت این کشور تبدیل شده؛ جایی‌که روزانه بیش از ۶۵۰هزار بشکه نفت تولید می‌شود.

**معنای این تحولات برای ایران**

این پرسشی کلیدی برای اقتصاد انرژی ایران است؛ کشوری که چین طی دو دهه‌گذشته یکی از مهم‌ترین مشتریان نفت آن بوده‌است. تحول انرژی چین می‌تواند سه تاثیر مهم بر ایران داشته‌باشد:

**۱. کاهش تدریجی وابستگی چین به نفت وارداتی**

چین هرچند همچنان بزرگ‌ترین واردکننده نفت دنیاست، اما با افزایش ظرفیت داخلی، بخشی از واردات خود را کاهش خواهد داد. این امر به‌خصوص بر کشورهایی که نفت آنها ریسک سیاسی یا تحریمی دارد (از جمله ایران) اثر خواهد گذاشت. گرچه ایران با ایجاد سیاست‌های قیمتی جذاب و مسیرهای «غیررسمی» توانسته صادرات خود به چین را حفظ کند، اما در بلندمدت رقابت سخت‌تر خواهدشد.

**۲. توجه چین به امنیت انرژی داخلی، نه توسعه سرمایه‌گذاری خارجی**

طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ شرکت‌های چینی بازیگران پررنگی در پروژه‌های نفت و گاز ایران بودند، اما اکنون که پکن صداهامیلیارد دلار را داخل خاک خود خرج می‌کند، اولویت‌گذاری برای سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یافته‌است. پروژه‌های بزرگی مثل آزادگان‌شمالی و یادآوران که زمانی مقصد سرمایه چین بودند، اکنون در حاشیه قرار گرفته‌اند.

**۳. تقویت موقعیت چین در مذاکرات انرژی**

وقتی پکن به سمت خودکفایی بیشتر می‌رود، قدرت چانه‌زنی‌اش افزایش می‌یابد، در نتیجه ایران برای حفظ و گسترش بازار خود در چین باید استراتژی‌های هوشمندانه‌تری را اتخاذ کند؛ از جمله تنوع قراردادها، انعطاف قیمتی و استفاده از ظرفیت‌های پتروشیمی، LPG و گاز طبیعی در سبد صادراتی.

چین امروز در نقشه انرژی جهان جایگاهی فراتر از یک مصرف‌کننده بزرگ دارد و به یک تولیدکننده اثرگذار تبدیل شده‌است. این کشور اکنون در تولید نفت در رتبه هفتم جهان ایستاده و حتی از بسیاری از اعضای اوپک پیشی‌گرفته، درحالی‌که در تولید گاز رتبه چهارم را در اختیار دارد. طی ۱۰سال گذشته، تولید نفت چین حدود ۱۳درصد افزایش‌یافته و تولید گاز آن بیش از ۵۰درصد رشد کرده‌است. همچنین شرکت CNOOC، بازیوی فراساحلی چین، از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ تولید دریایی خود را ۶۰درصد بالا برده است؛ مجموعه تحولاتی که نشان می‌دهد پکن با سرعتی فراتر از انتظار در حال تغییر توازن سنتی بازار انرژی جهان است.

**تأثیری که از نگاه اول دیده نمی‌شود**

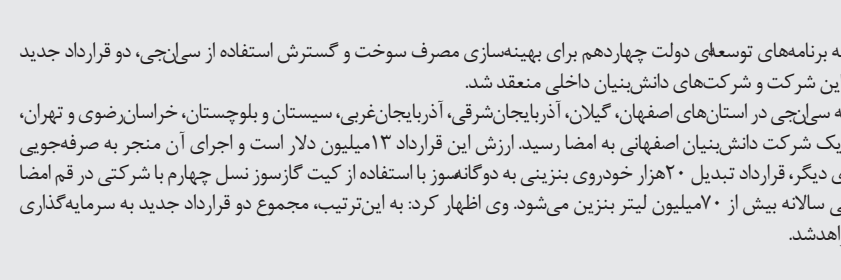
پکن در حال ایجاد چیزی است که شی‌جین‌پنگ آن را «کاسه برنج انرژی» می‌نامد؛ یعنی اتکای حداکثری به توان داخلی برای تأمین انرژی کشور. در چنین چارچوبی، چین در سال‌های آینده به‌جای رشد انفجاری واردات، بر تثبیت تولید داخلی تمرکز خواهد کرد. نفت احتمالا به سطحی ثابت می‌رسد اما گاز همچنان رشد خواهد کرد. همین تغییر جهت چین، در سطح جهانی نیز تاثیر دوگانه‌ای دارد: از یک‌سو امنیت انرژی چین تقویت می‌شود و آسیب‌پذیری آن دربرابر فشارهای آمریکایی کاهش می‌یابد؛ از سوی دیگر شرکت‌های غربی که روی بازار چین حساب کرده‌بودند، مجبور به بازنگری در استراتژی‌های خود خواهند شد.

**و ایران در این میان؟**

اگر ایران بتواند نگاه چین به انرژی را درست بخواند، این تحولات الزاما به‌معنای کاهش نقش ایران نیست؛ بلکه فرصت‌هایی تازه نیز ایجاد می‌شود. چین در دهه‌ایندبه برای گاز، محصولات پتروشیمی، فولاد، نفت سنگین و قیر همچنان به واردات وابسته است. از طرفی تنوع عرضه برای پکن همچنان یک اصل‌است و ایران، به‌ویژه در شرایط تحریم روسیه، می‌تواند یک «تامین‌کننده قابل‌اعتماد بلندمدت» باشد، اما واقعیت این است که چین دیگر مانند گذشته تشنه واردات نیست.

بازار آینده پکن، بازار رقابتی‌تر، حرفه‌ای‌تر و سختگیرتر است. ایران اگر بخواهد جایگاه خود را تثبیت کند، باید با شرایطی به‌روز، قراردادهای منطقی و سرمایه‌گذاری مشترک وارد شود. سرمایه‌گذاری ۴۷۰میلیارد دلاری چین در نفت و گاز تنها یک پروژه اقتصادی نیست؛ بازطراحی توازن قدرت انرژی در جهان است. کشوری که زمانی موتور تقاضا بود، اکنون با سرعت به سمت تولید بیشتر، کنترل داخلی و فناوری‌های پیشرفته حفاری می‌رود.

برای ایران، این یک هشدار و یک فرصت هم‌زمان است. هشدار از این جهت که بازار آینده چین دیگر آسان و قابل‌پیش‌بینی نخواهد بود و فرصت از آن جهت که هنوز هم ایران می‌تواند در سبب انرژی چین جایگاهی پایدار داشته‌باشد؛ اگر که رهبریدر این با واقعیت‌های جدید چین تنظیم کند. در جهانی که بازیگران قدیمی انرژی دوره‌ای تازه را آغاز کرده‌اند، بی‌تفاوتی بزرگ‌ترین هزینه است.



به گزارش روابطعمومی شرکت ملی بخش فراورده‌های نفتی ایران، در ادامه برنامه‌های توسعه‌ای مصرف سوخت و گسترش استفاده از سل‌جی، دو قرارداد جدید برای تولید مخزن از ورق و تبدیل ۴۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز میان این شرکت و شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی منعقد شد. سعید رحمان‌سالاری گفت: هم‌زمان با افتتاح هشت باب جایگاه جدید عرضه سل‌جی در استان‌های اصفهان، گیلان، آذربایجان‌شرفی، آذربایجان‌غربی، سیستان و بلوچستان، خراسان‌رضوی و تهران، قرارداد تولید مخزن از ورق و تبدیل ۴۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز با یک شرکت دانش‌بنیان اصفهانی به امضا رسید. ارزش این قرارداد ۱۳ میلیون دلار است و اجرای آن منجر به صرفه‌جویی سالانه بیش از ۹۱میلیون لیتر بنزین خواهدشد.رحمان‌سالاری افزود: در رویدادی دیگر، قرارداد تبدیل ۲۰هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز با استفاده از کیت گازسوز نسل چهارم با شرکتی در قم امضا شد. ارزش این قرارداد ۱۰میلیون دلار است و اجرای آن نیز موجب صرفه‌جویی سالانه بیش از ۷۰میلیون لیتر بنزین می‌شود. وی اظهار کرد: به این‌ترتیب، مجموع دو قرارداد جدید به سرمایه‌گذاری ۲۳میلیون دلاری و صرفه‌جویی سالانه حدود ۱۶۱میلیون لیتر بنزین منجر خواهدشد.

# سه‌ضلعی انحصار در بازار خودرو



برخلاف تمام شعارها درباره «افزایش تولید داخلی» یا «توسعه واردات برای ایجاد رقابت»، مسیر واقعی صنعت خودرو به سمت دیگری رفته‌است به‌طوری‌که اغلب شرکت‌های فعال در این حوزه، بخش عمده منابع مالی، ارزی و انسانی خود را صرف پروژه‌های مونتاژی کرده‌اند؛ پروژه‌هایی که در آن قطعات نیمه‌ساخته از چین وارد می‌شود و پس از سرهمبندی در خطوط تولید داخلی، روانه بازار می‌گردد. به گفته یک کارشناس خودرویی، این گرایش گسترده به مونتاژ نه اتفاقی و نه صرفا بر اساس منافع تجاری شرکت‌است؛ بلکه بازتابی از ترکیب سیاست، رانت و تصمیمات متغیر است.

از دید سیاستگذاران، مونتاژ بنوعی «قطعه تعادل» میان سه‌هدف ظاهرا متناقض است: کاهش فشار بر منابع ارزی، حفظ ظاهر تولید در داخل کشور و در عین‌حال تأمین نیاز بازار به خودروهای به‌روزتر، اما در عمل، این «تعادل» چیزی جز تداوم وابستگی و تثبیت حلقه بسته تصمیم‌گیری در صنعت خودرو نیست. برای درک چرایی تمرکز بر این مدل، باید سه عامل اصلی در آن قطعات نیمه‌ساخته از چین وارد می‌شود و پس از سرهمبندی توضیح می‌دهند: سیاسی، اقتصادی و ساختاری.

چین نه‌تنها شریک تجاری اصلی ایران در نفت و کالاهای اساسی بوده، بلکه به یکی از معدود دروازه‌های باقی‌مانده برای تعامل صنعتی از چین وارد می‌شود. همکاری در حوزه خودرو نیز از همین مسیر پیش‌می‌رود. احتمال دارد از دید سیاستگذاران گسترش مونتاژ خودروهای چینی، نوعی امتیاز سیاسی نیز محسوب شود.

چین نیز با آگاهی از این وابستگی، بازار ایران را به‌عنوان میدان مناسبی برای توسعه برندهای درجه دو و سه خود می‌بیند؛ برندهایی که در بازارهای رقابتی‌تر جهان شانس چندان‌ی ندارند، اما در فضای محدود و کنترل‌شده ایران می‌توانند جای پای مطمئنی پیدا کنند.

در نتیجه مونتاژ خودروهای چینی به‌جای تولید مشترک یا انتقال فناوری واقعی، عملا تنها به تسخیر بازار خود می‌پردازد.

از همین زاویه است که سیاستگذاران نیز به‌جای توسعه واقعی تولید، از مسیر مونتاژ

### انرژی



**چهارشنبه ۰۶ اسفند ۱۴۰۴ | شماره ۸۷۰**
**www.marzeghtesad.ir**

**♥ فشار با مسکو تا توازن با پکن**

در ظاهر، تحریم‌های تازه علیه شرکت‌های بزرگ روسی مانند روس‌نفت و لوک‌ویل، نشانه‌ای از سختگیری است؛ اما در عمل، نحوه اجرای آنها بیابگر بازی دوطرفه آمریکای میان فشار بر مسکو و حفظ توازن با پکن است.

تحریم‌های کاغذی

در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵ (۳۰ مهر ۱۴۰۴)، دولت ترامپ تحریم‌هایی را علیه دو غول انرژی روسیه، روس‌نفت و لوک‌ویل، اعلام کرد. هدف رسمی، کاهش درآمد نفتی کرملین بود؛ درآمدی که طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، سالانه بیش از ۵۰میلیارد دلار از بودجه‌جنگ اوکراین را تأمین می‌کند، اما در دیدار یک‌هفته بعد ترامپ با رئیس‌جمهور چین در حاشیه اجلاس APEC در بوئنس، رئیس‌جمهور آمریکا نه‌تنها از فشار مستقیم بر پکن برای توقف خرید نفت روسیه سخن نگفت؛ بلکه تأکید کرد «چین «به‌صورت داوطلبانه خرید خود را کاهش داده‌است.» این موضع نرم، نشانه‌ای از تحریم بدون اجرا بود؛ وضعیتی که بیشتر پیام سیاسی به بازار می‌فرستد تا اثر واقعی بر تجارت انرژی. در نتیجه، قیمت نفت که پس از اعلام تحریم‌ها افزایش‌یافته بود، به‌سرعت در محدوده ۸۳ تا ۸۵ دلار تثبیت شد.

ایالات‌متحده در این مرحله، میان دو الزام متضاد گرفتار است: از یک‌سو باید در سطح داخلی نشان دهد که علیه روسیه قاطع است و از سوی دیگر نمی‌تواند افزایش قیمت انرژی را تحمل کند؛ چراکه تورم سوخت به‌سرعت به نازخوابی اجتماعی تبدیل می‌شود، به‌همین دلیل، کاخ‌سفید سیاستی دوجوجهی را درپیش گرفته‌است: نمایش سختگیری برای مصرف سیاسی داخلی و انعطاف اقتصادی برای ثبات بازار جهانی. به‌گفته «هرت اریکسون»، تحلیلگر موسسه Energy Aspects، «تحریم‌ها بدون اعمال فشار بر خریداران چینی و شبکه بانکی شرق، بیشتر حالت نمایشی دارد و به روسیه فرصت سازگاری می‌دهد.» این همان منطقی است که به تعبیر اقتصاددانان ژئوپلیتیک، «ژئواکونومی کنترل‌شده» خوانده می‌شود: کنترل بازار به‌جای تغییر رفتار بازیگران نقش‌چین، خریدار محتاط، شریک حسابگرچین در این میان، نقشی کلیدی دارد. پکن بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و بیش از ۳۰درصد نفت روسیه را خریداری می‌کند. با وجود فشارهای لفظی واشنگتن، داده‌های گمرک چین نشان می‌دهد؛ واردات از روسیه در ماه سپتامبر تنها ۵درصد کاهش یافته‌است. در دلیل آن ساده‌است: چین از تخفیف ۱۲ تا ۱۵ دلاری به ازای هر بشکه روس‌ها استفاده می‌کند و در عین‌حال با خرید محدود از آمریکا و عربستان، تعادل راهبردی در تأمین انرژی را حفظ می‌کند. واشنگتن نیز به‌خوبی می‌داند که فشار بیش‌ازحد بر پکن، می‌تواند به واکنش‌های تلافی‌جویانه در حوزه تجارت، فناوری یا فلزات نادر منجر شود. از این‌رو، آمریکا ترجیح می‌دهد به‌جای تهدید مستقیم، با ارسال سیگنال‌های سیاسی به بازار، جریان انرژی روسیه به شرق را «قابل‌مدیریت» نگه‌دارد.

نتیجه چنین سیاستی، شکل‌گیری بازار کنترل‌شده‌ای است که در آن تحریم‌ها بیشتر نقش تنظیم‌کننده روانی دارند تا مانع واقعی. تحلیل بلومبرگ نشان می‌دهد؛ صادرات نفت روسیه در سه هفته پس از تحریم، تنها ۳درصد کاهش‌یافت و بخش عمده‌ای از آن از طریق شرکت‌های واسطه در سنگاپور و امارات ادامه یافت؛ این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی صادرکننده گاز طبیعی مایع (LNG) از وضعیت جدید بیشترین بهره را برده‌اند.

صادرات LNG ایالات‌متحده به اروپا نسبت به سال ۲۰۲۱ بیش از دوبرابر شده و به‌گفته اداره اطلاعات انرژی آمریکا، «به عامل اصلی توازن جدید انرژی قاره اروپا تبدیل شده‌است.» به‌عبارت‌دیگر، هرچه فشار بر نفت روسیه بیشتر شود، سهم انرژی آمریکا در بازار جهانی افزایش می‌یابد؛ وضعیتی که هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی مطلوب واشنگتن است. رویکرد آمریکای در قبال روسیه و چین را می‌توان نمونه‌ای از تحریم‌های انتخابی دانست؛ تحریم‌هایی که نه با هدف توقف کامل جریان انرژی، بلکه برای شکل‌دهی به رفتار بازار و افزایش قدرت چانه‌زنی واشنگتن طراحی می‌شوند. به‌گفته «هریک ون هوسرند»، معاون پیشین وزارت خزانه‌داری آمریکا، «هدف نهایی، نشاندادن جدیت سیاسی بدون آسیب به قیمت جهانی است؛ تحریمی که بازار را تنظیم کند، نه آنکه آن را بشکند.» چنین سیاستی در بلندمدت به آمریکا اجازه می‌دهد که نقش تنظیم‌گر انرژی جهانی را حفظ کند؛ یا نکه هزینه‌های اقتصادی تحریم‌های سختگیرانه را بپردازد. در واقع، واشنگتن به‌جای مهار کامل روسیه، به مدیریت تدریجی آن در نظم انرژی بسنده کرده‌است. در کوتاه‌مدت، روسیه با وجود تخفیف‌های نفتی، توانسته بخشی از درآمد خود را حفظ کند؛ اما در بلندمدت، تکیه بر چین و هند موقعیت راهبردی مسکو را تضعیف می‌کند. در مقابل، آمریکا با افزایش صادرات انرژی و حفظ نقش تعیین‌کننده در قیمت جهانی، برنده نسبی این توازن پیچیده است. با این‌حال، ثبات فعلی شکننده است. هرگونه تشدید جنگ در اوکراین یا اقدام چین در حوزه فلزات نادر می‌تواند این نظم شکننده را برهم بزند. بازی دوطرفه‌ای واشنگتن، اگرچه تاکنون موفق بوده، اما نیازمند ظرفیتی مداوم میان فشار ژئوپلیتیک و مصلحت ژئواکونومیک است.



▼ **حذف فقرا از شبکه‌های خانگی**
با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و نتفلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتوای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱٫۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷٫۲۵دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷٫۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱٫۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبد تفریحات دیجیتال خانوار است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه‌ای از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های قبلی استفاده می‌کنند. اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با آرشوی بالغ بر ۹۵ هزار عنوان عمدتاً از طریق خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در آیین بینن درحالی‌که سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتاً بر تولید محتوای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شوها، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتوای سبک شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا پلتفرم‌های وی‌اودی برای تأمین منابع مالی و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی و داخلی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و ISPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها در آمد قابل‌توجهی از فروش تراфик مصرفی و پهنای باند دارند.

محتوای باکی‌مصرفات نیز در گندم اقدام است.



## مهر «ساخت امارات» بر کالای ایرانی

✎ **عرشیا حسن پور** – در سال‌های اخیر، پدیده صادرات مجدد یاری اکسپورت کالا‌های ایرانی به یکی از موضوعات مهم و راهبردی در تجارت خارجی کشور تبدیل شده است.

ایسن روند که عمدتاً با هدف عبور از محدودیت‌های تحریمی، جبران ضعف‌های ساختاری در برندسازی و استفاده از ظرفیت‌های تجاری کشورهای واسطه شکل گرفته، اکنون سهم قابل‌توجهی از صادرات غیرنفتی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده است. بررسی‌ها و تجربه فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که بخش مهمی از کالا‌های ایرانی، به‌ویژه در حوزه میوه، خشکبار و زعفران، نه با نام و هویت تجاری ایران، بلکه پس از بسته‌بندی مجدد و تحت برند کشورهای ثالث وارد بازارهای جهانی می‌شوند. این وضعیت علاوه بر کاهش ارزآوری، موجب تضعیف جایگاه برند ایرانی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی در زنجیره ارزش جهانی شده است.

ری‌اکسپورت یا صادرات مجدد کالا‌های ایرانی به این معناست که کالا ابتدا از ایران به کشور طرف معامله صادر و سپس از آن کشور به مقاصد دیگر ارسال می‌شود.

محدودیت‌های ناشی از تحریم، دشواری نقل‌وانتقال پول، ضعف فناوری بسته‌بندی، هزینه‌های روبه‌افزایش حمل‌ونقل، پیچیدگی‌های اداری و نبود سیاست‌های حمایتی موثر از جمله عوامل کلیدی هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش ری‌اکسپورت ایفا می‌کنند. در کنار این چالش‌ها، برخی بازارهای هدف نیز همکاری با برند ایرانی را دشوار یا پرهزینه می‌دانند و ترجیح می‌دهند کالا از مسیر کشور ثالث دریافت شود. به همین دلیل، کشورهایی مانند امارات، ترکیه، اسپانیا و افغانستان به نقاط اصلی برای بسته‌بندی مجدد و عرضه کالای ایرانی با نام‌های تجاری متفاوت تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، مساله حفظ ارزش افزوده داخلی، ارتقای جایگاه برند ایرانی و بازگشت سهم واقعی تولیدکننده از بازارهای بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. توجه به این موضوع می‌تواند مسیر توسعه صادرات پایدار را هموارتر کند و جایگاه کالا‌های ایرانی را در بازارهای جهانی تقویت سازد.

#### دلایل اصلی رشد صادرات مجدد

محمدرضا فاروقی، رئیس کمیسیون گمرک اتناق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره فرآیند صادرات مجدد کالا‌های ایرانی توضیح داد، ری‌اکسپورت یا صادرات مجدد کالا‌های ایرانی به این معناست که کالا ابتدا از ایران به کشور طرف معامله صادر می‌شود و سپس از آن کشور به مقاصد دیگر ارسال می‌گردد. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این فرآیند، موضوع برندینگ است. برای نمونه، برخی شرکت‌ها در حوزه میوه و خشکبار در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر توسعه برند و شبکه خرده‌فروشی خود کار کرده‌اند. بنابراین، کالا را به‌صورت فله از ایران خریداری می‌کنند و پس از بسته‌بندی مجدد و اعمال ارزش افزوده، آن را با قیمت بالاتر به سایر بازارها می‌فروشند. دلیل دیگر، محدودیت در فروش مستقیم محصولات ایرانی به برخی بازارهای هدف است. ایران پیش‌تر در این کشورها سهم بازار داشت، اما به‌دلیل تحریم‌ها اکنون امکان عرضه مستقیم کالا با برند ایرانی وجود ندارد. ازاین‌رو، بخشی از صادرات ایران به‌صورت صادرات مجدد از طریق کشور ثالث انجام می‌شود.

فاروقی در پاسخ به این پرسش که ری‌اکسپورت معمولاً برای کدام کالا‌ها انجام می‌گیرد، گفت: این وضعیت در کالاهایی که بیشترین اثرپذیری از تحریم را دارند یا قابلیت ایجاد ارزش افزوده از طریق بسته‌بندی و خرده‌فروشی برای آن کالا‌ها وجود دارد، بیشتر مشاهده می‌شود. در چنین شرایطی، تجار ایرانی یک بازار هدف مشخص را شناسایی می‌کنند، اما به دلیل محدودیت‌های تحریمی امکان ارسال مستقیم کالا وجود ندارد. بنابراین، کالا به یک کشور ثالث صادر و پس از تغییر بسته‌بندی یا تغییر برند به مقصد اصلی ارسال می‌شود. گمرک ایران نیز برخی بخشنامه‌های حمایتی برای انجام بخشی از این عملیات در داخل کشور صادر کرده است، هرچند این موضوع همچنان محل بحث و اختلاف‌نظر است و اجرای آن با چالش‌هایی همراه است.

### توافق پنج‌گانه ایران و کویت برای توسعه روابط تجاری

انجام نمی‌شود. همچنین، بازرانیابی سنتی هم همچنان وجود دارد که خود به صادرات زعفران با نام برندهای ایرانی و پیدا کردن مشتری‌های وفادار به برند ایرانی در بازارهای جهانی آسیب وارد می‌کند. او افزود: صادرات سنتی بیشتر مورد حمایت دولت قرار دارد. چرا که هرساله اکثر افراد به‌عنوان صادرکننده نمونه انتخاب می‌شوند که به‌صورت خام و یا فله محصول خود را صادر کرده‌اند و به موادی نظیر میزان ارزآوری، میزان اشتغال ایجادشده و میزان ارزش‌افزوده خلق‌شده توسط تولیدکننده توجهی نمی‌شود. بنابراین، متولیان امر باید انگیزه ایجاد کنند تا زعفران توسط صادرکننده با نام و نشان ایرانی صادر شود.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با اشاره به نقش بخش خصوصی و اتاق بازرگانی برای جلوگیری از کاهش صادرات مجدد کالا‌های ایرانی و برندسازی در داخل ایران تصریح‌کرد: بخش خصوصی در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های مختلفی انجام داده، اما بخش دولتی در این مسیر موانع متعددی ایجاد کرده که از جمله این موانع می‌توان به بحث بازگشت ارز و رفع تعهد ارزی اشاره کرد. اگر تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایرانی بخواهند در زمینه صادرات زعفران تبلیغات و برندسازی انجام دهند، علاوه بر موانع خارجی، در داخل هم با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند.

او با اشاره به آینده تجارت زعفران با توجه به شرایط فعلی گفت: بخش عظیمی از زعفران ایران به افغانستان صادر و با نام برند این کشور وارد بازار جهانی می‌شود. به‌عنوان نمونه، تولید سالانه این کشور در محدوده ۲۰ تن در سال قرار دارد، اما میزان صادرات سالانه این کشور بیش از ۶۰ تن است. بنابراین، اگر صادرات با این روند پیش برود، قطعاً زعفران هم به سر‌نوشت فرش ایرانی دچار می‌شود. زعفران میراث ایرانیان است و کویرنشینان معیشت خود را با تولید و صادرات این محصول تأمین می‌کنند. بنابراین، محدودیت‌های صادراتی باید رفع شوند.

#### ری‌برندینگ

مرتضی کوهنورد، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره علت صادرات مجدد کالا‌های ایرانی و عرضه آنها با نام تجاری سایر کشورها توضیح داد: ری‌برندینگ این روزها به‌عنوان یکی از مدل‌های نوین کسب‌وکار در جهان مطرح است و فرصت‌هایی را برای توسعه برندها، افزایش رقابت‌پذیری و ورود به بازار جهانی فراهم می‌کند. با این حال، بخشی از کالا‌های تولید داخل همچنان با برند ایرانی صادر می‌شوند، اما تحریم‌ها باعث شده حضور برندهای ایرانی در بسیاری از بازارها با دشواری همراه شود. به همین دلیل، برخی تولیدکنندگان کالا را با بسته‌بندی ساده و بدون نشان تجاری از کشور خارج می‌کنند تا آن کالا‌ها در مقصد دوباره بسته‌بندی و صادر شوند. این روش با هدف کاهش اثرات تحریم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. عامل دیگر به ظرفیت‌های خالی واحدهای تولیدی ایران بازمی‌گردد. برخی شرکت‌های خارجی برای حفاظت از سرمایه‌گذاری و جلوگیری از واگذاری بازار خود به تولیدکنندگان ایرانی، ترجیح می‌دهند کالا با برند ثبت‌شده خودشان تولید شود.

این رویه در بسیاری از کشورها مرسوم است.

او گفت: به‌طور طبیعی، هرچه تولیدکننده قدرتمندتر و دارای پشتوانه مالی بهتری باشد، امکان ایجاد دفاتر تجاری در خارج از کشور و فعالیت‌های تبلیغاتی برای برند خود را هم دارد. با این حال، تحقق این امر نیازمند ثبات تجاری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کشور مبدأ است. در ایران به‌دلیل تحریم‌ها، ضعف روابط سیاسی و مشکلات زیرساختی، این ثبات فراهم نیست و بخش تولید با محدودیت مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، همکاری با برندهای غیرایرانی می‌تواند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهد و امکان استفاده بهتر از ظرفیت‌های خالی را فراهم کند.

او در پاسخ به این پرسش که کالا‌های ایرانی معمولاً در کدام کشورها دوباره بسته‌بندی یا لیبل‌گذاری می‌شوند، گفت: کالای ایرانی عمدتاً از طریق امارات به شرق آسیا و جنوب آفریقا صادر می‌شوند و از طریق ترکیه، به شرق اروپا می‌رسند. بنابراین، بیشترین ری‌برندینگ در این دو مسیر انجام می‌شود. در بازارهایی مانند عراق و افغانستان به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی و دسترسی آسان، بسیاری از همکاران تجاری از این کشورها در ایران حضور دارند و معاملات ریالی انجام می‌دهند.



#### بررسی‌ها نشان می‌دهد بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که از سوی نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه تجارت

#### تحریم و خود تحریمی؛ سد راه صادرات

کوهنورد درباره تاثیر ری‌برندینگ در کاهش ارزآوری برای کشور تصریح کرد: ایران به‌دلیل تحریم‌ها و نبود برخی ارتباطات بین‌المللی، به‌ویژه عدم دسترسی به سیستم سوئیفت، با مشکلات جدی در تجارت خارجی مواجه است. این شرایط باعث می‌شود که تاجر خارجی به دلیل دشواری در جابه‌جایی پول، تمایلی به همکاری با ایران نداشته باشند. از سوی دیگر، خرید کالا‌ها با قیمت واقعی انجام نمی‌شود و مسیر پیچیده انتقال کالا و وجوه دریافتی، باعث کاهش تقریبی ۱۰ تا ۲۰ درصدی ارزآوری در صادرات می‌شود.

ایبن فعال بخش خصوصی درباره نقش سیاست‌ها و قوانین داخلی در صادرات کالا‌ها با برندهای ایرانی تشریح کرد: زیرساخت‌های سیاسی و ارتباطات ایران در بحث تجارت جهانی محدود است و تحریم‌های داخلی، شامل موازین و مقرات پیچیده درباره صادرات، واردات، بازگشت ارز و رفع تعهدات ارزی برای صادرکنندگان، کار را بسیار دشوار کرده است. این مسائل باعث کاهش حضور ایران در بازار جهانی می‌شود و به تبع آن، کالا‌ها با هویت ایرانی کمتر در بازارهای خارجی دیده می‌شوند. او افزود: واقعیت این است که اگر موافقی پیچیده آیین‌نامه‌ها، تعرفه‌های بالا و شرایط سختگیرانه رفع شوند، حجم صادرات ایران می‌تواند حداقل ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یابد. بازارهای صادراتی بسیاری از شرکت‌های ایرانی طی سال‌های گذشته به نصف یا حتی یک‌سوم کاهش پیدا کرده‌اند. برای مثال، شرکتی که قبلاً به ۳۰ تا ۴۰ کفن صادرات داشت، اکنون تنها به هفت تا ۱۰ کشور کالا صادر می‌کند. هرچند این به معنای از دست رفتن کامل بازارهای قبلی نیست، بلکه شرایط موجود عمدتاً به دلیل فعالیت واسطه‌ها ایجاد شده است.

این فعال بخش خصوصی درباره سهم کشورهای نظیر اسپانیا، ترکیه، امارات و عراق از ری‌برندینگ کالای ایرانی اظهار کرد: امارات، ترکیه در واقع از واسطه‌گری‌هایی که انجام می‌دهند، سهم قابل‌توجهی به دست می‌آورند. در اسپانیا، عمدتاً تمرکز بر کالاهای دارویی، به‌ویژه زعفران ایران است و این محصولات با برند اسپانیایی عرضه می‌شوند. بیشتر کالایی که به عراق صادر می‌شوند، برای مصارف داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و موضوع ری‌برندینگ مطرح نیست.

#### اتاق بازرگانی؛ پل دولت و بخش خصوصی

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که نقش دولت، اتاق بازرگانی و بخش خصوصی در کاهش ری‌برندینگ کالای ایرانی چیست، عنوان کرد: بخش خصوصی با تلاش و پشتکار خود همواره نقش مهمی در رفع این چالش‌ها ایفا می‌کند و اتاق بازرگانی، به‌عنوان بالاترین تشکل اقتصادی کشور، می‌تواند هم بازوی اجرایی دولت و هم سخنگوی بخش خصوصی باشد. دولت باید از تجربیات و پیشنهادات اتاق بهره ببرد و آنها را به‌خوبی اجرا کند. این شامل حذف قوانین دست‌نورس‌العمل‌های نامناسب در حوزه کسب‌وکار، اصلاح قوانین پایه‌ای و حمایت همه‌جانبه از بخش خصوصی است. اجرای موفقیت‌آمیز این موارد مستلزم ترکیبی از تخصص آکادمیک و تجربه عملی واقعی در تجارت، صنعت، معدن و کشاورزی است.

برآیند اظهارات فعالان اقتصادی و بررسی روندهای جاری نشان می‌دهد که گسترش صادرات مجدد کالا‌های ایرانی بیش از آنکه ناشی از ضعف در تولید باشد، ریشه در محدودیت‌های ساختاری، تحریمی و نهادی دارد که مانع حضور مستقیم و موثر برند ایرانی در بازارهای جهانی شده است. سهم‌گیری کشور‌های واسطه از ارزش‌افزوده کالا‌های ایرانی، کاهش بازگشت ارز واقعی، تضعیف رقابت‌پذیری و حذف تدریجی نام ایران از زنجیره ارزش جهانی، از مهم‌ترین پیامدهای این روند است. در چنین فضایی، بازنگری در سیاست‌های تجاری، تسهیل قواعد اداری، حمایت واقعی از صنعت بسته‌بندی، تقویت زیرساخت‌های مالی و ایجاد ثبات در محیط کسب‌وکار، پیش‌شرط‌های ضروری برای جلوگیری از تداوم ری‌اکسپورت و بازگرداندن سهم ایران در بازارهای هدف به شمار می‌روند. تنها با هم‌افزایی دولت، بخش خصوصی و تشکل‌های تخصصی می‌توان مسیر حرکت از صادرات خام‌چور به صادرات برند‌محور را تقویت کرد و جایگاه کالا‌های ایرانی را در تجارت بین‌الملل ارتقا داد.

مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران از توافق ایران و کویت برای توسعه روابط تجاری خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، عبدالامیر ربیهاوی درباره سیزدهمین دوره کمیته مشترک بازرگانی ایران و کویت گفت: دوازدهمین دوره این کمیته در سال ۱۳۹۳ برگزار شده بود و طرف کویتی استقبال بسیار خوبی از برگزاری این دور به عمل آورد و به‌رغم چند بار تعویق، اصرار بر تشکیل آن داشتند. مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران با اشاره به مزیت‌های جغرافیایی کویت برای ایران، گفت: فاصله کم دریایی بین بندار ایران مانند آبادان و خرمشهر با کویت و همچنین وجود مرز زمینی از طریق شلمجه، انتقال کالا را بسیار تسهیل و ارزان می‌کند. ضمن آنکه کویت سالانه حدود ۲۸میلیارد دلار از جهان واردات دارد و می‌تواند بازار مناسبی برای کالای ایرانی باشد.وی مهم‌ترین دستاوردهای این دور از مذاکرات را امضای توافقنامه در پنج محور اصلی توسط مقامات دو کشور برشمرد و تصریح کرد: در بخش تجاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری، توافق شد نمایشگاه توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۶ در کویت برگزار شود. همچنین طرف کویتی اعلام آمادگی کرد تا برای بازدید از نمایشگاه‌های ایران و مذاکره با مسوولان به ایران سفر کند.

## افت ۵۲ درصدی آب تخصیصی به بخش کشاورزی

تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی نیز یکی از دردها و چالش‌های اصلی این بخش است.نوری قزلبچه در مورد الگوی کشت نیز عنوان کرد: تهیه این برنامه با دقت کارشناسی انجام گرفته و یک بار رفت و برگشت بین استان‌ها و شهرستان‌ها با مرکز انجام شده در راستای تنظیم دقیق‌تر و مجدداً استانداران نیز به عنوان رئیس ستادی استان‌ها و فرمانداران در شهرستان‌ها قبول مسوولیت کردند تا به این موضوع کمک شود چرا که موضوع این دستگاهی است. وی قیقه‌ضمانت موجود در الگوی کشت را ناشی از عدم ضمانت اجرایی دانست و ادامه داد: این موضوع صرفاً به مشق‌وقا و حمایت‌های دولت بازمی‌گردد.همچنین سنجه‌هایی که در آن عقب هستندیم به مواردی که نیاز به منابع دارد بازمی‌گردد، همچنین در حوزه آب و خاک نیاز به اعتبارات دارد، به عنوان مثال در قانون برنامه هفتم بخش آب و خاک به ۱۷۵ همت سرمایه‌گذاری و اعتبار نیاز دارد درحالی‌که اعتبار مصوب ۴٫۵ همت است.

نوری قزلبچه درباره کوچک‌سازی و افزایش اثربخشی ساختار این وزارت‌گفته است: این کار با

رویکرد کاهش ۲۰ درصدی حجم تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی با حفظ استخوان‌بندی و تشکیلات اساسی وزارت جهاد کشاورزی نهایی شده و در حال انجام است. وزیر جهاد کشاورزی

درباره چالش‌های موجود در مسیر اجرای برنامه هفتم گفت: کاهش ۴۰ درصدی بارش‌ها در کشور، کاهش آب تخصیصی به بخش کشاورزی از ۷۰میلیارد مترمکعب به ۴۶میلیارد مترمکعب مهم‌ترین مورد است به طوری که آبی که اکنون در دست بخش کشاورزی است، از نظر سنجه‌هایی که در برنامه هفتم گنجانده شده بسیار کمتر است.

عضو کابینه دولت چهاردهم با اشاره به بدهی ۵۵میلیارد دلاری به تأمین‌کنندگان ادامه داد: این موضوع ناشی از انباشت حدود ۴ سال گذشته است، از دیگر چالش‌ها، افزایش نرخ ارز رسمی و غیررسمی ناشی از شرایط بین‌المللی و تحریم‌های ظالمانه و پایین بودن میزان

## ساینتو به استقبال روزهای سخت می‌رود



**عرفان حمیدی** –استقلال پس از پشت سر گذاشتن دیدار نسبتاً آسان برابر پادیاب خلخال در جام حذفی، باید خود را برای سلسله‌ای از بازی‌های سخت و حساس آماده کند.

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با پادیاب خلخال در جام حذفی

استقلال پس از پشت سر گذاشتن دیدار نسبتاً آسان برابر پادیاب خلخال در جام حذفی، باید خود را برای سلسله‌ای از بازی‌های سخت و حساس آماده کند؛

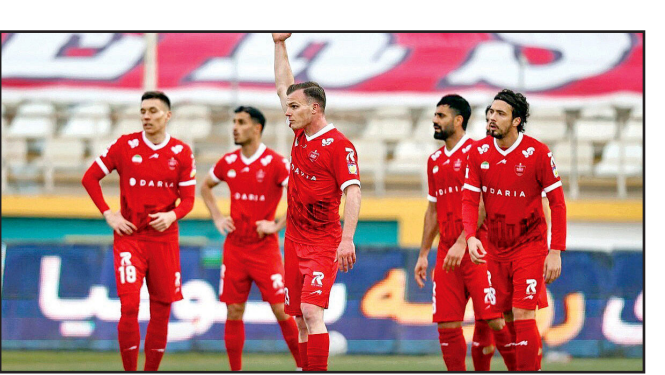
دیدارهایی که می‌تواند مسیر فصل آبی‌پوشان را تا حد زیادی مشخص کند. ریکاردو ساینتو، سرمربی پرتغالی استقلال، در آستانه یکی از مهم‌ترین مقاطع کاری خود در این تیم قرار گرفته است؛ چرا که هر لغزش کوچک در این مقطع می‌تواند تأثیری جدی بر جایگاه تیم در لیگ و لیگ قهرمانان آسیا بگذارد.



سلاطین وعده‌های

پوچ

### دار و دسته طلبکارها!



تا جایی می‌شد این مساله را چندان جدی تلقی نکرد، اما اقدام قابل توجه باشگاه پرسپولیس در فعال کردن بند تمدید قرارداد اوسمار ویرا، به وضوح نشان داد که خبرهایی بوده است؛تا جامعه فوتبال، این سیاست را حمل بر واکنش مدیران باشگاه به شیوع بازیکن‌سالاری در تیم کرده و این‌طور به نظر می‌رسد که آنها خواسته‌اند به ستاره‌های یابی پیغام بدهند تلاش احتمالی‌شان برای پایین کشیدن سرمربی به جایی نخواند رسید.

نشانه دیگری که به تازگی پدیدار شد و شرایط غیراستاندارد پرسپولیس را بیش از پیش به رخ کشید، اخراج دو بازیکن از تمرینات قرمزها بود. بر این اساس و با نظر اوسمار ویرا، سروش رفیعی و محمدامین کاظمیان فعلا از حضور در تمرینات منع شده‌اند. گویا این دو نفر به تازگی با هم درگیری داشته‌اند و سروش که حرف و حدیث‌های خیلی زیادی در مورد او وجود دارد، در همان روز حتی با مارکو باکیچ هم درگیری لفظی داشته است.

همه اینها را بگذارد کنار داستان یاسین سلمانی و تیوی بیفوما؛ دو بازیکنی که نام آنها هم در فهرست طولانی بی‌انضباط‌های پرسپولیس به چشم می‌خورد. سلمانی از حضور در اردوی زمستانی تیم خودداری کرد و پس از آن با خشم و واکنش تند اوسمار ویرا مواجه شد. او یکی از بی‌تمرین‌ترین بازیکنان تاریخ پرسپولیس بوده که با وجود هزینه و جنجال فراوان، هیچ خروجی خاصی نداشته است. از سوی دیگر بیفوما هم با سبک زندگی غیر حرفه‌ای‌اش صدای همه را در آورده. این بازیکن یا مصدوم است، یا آن‌قدر از شرایط نرمال فاصله دارد که سرمربی تیم رغبت نمی‌کند از او استفاده کند. از همه بدتر زمانی است که بیفوما به میدان می‌رود؛ آنجاست که شاهد نمایش یک بازیکن خودخواه هستییم که زمین فوتبال را با تاثر تک نفره اشتباه گرفته و صرفا مشغول نمایش دادن خودش است. بیفوما تا وقتی ناچار نشود، به هیچ کس پاس نمی‌دهد و همین مساله باعث شده او در زمره خریدهای ناموفق سرخ‌پوشان قرار بگیرد؛ بازیکنی که تاکنون فقط یک گل برای قرمزها زده است.

**شروع با نبرد انتقامی مقابل الوصل امارات**

اولین بازی دشوار استقلال پس از دیدار با پادیاب، مقابل الوصل امارات خواهد بود؛ تیمی که شکست قبلی مقابل آن هنوز در ذهن هواداران باقی مانده است. این دیدار برای ساینتو و شاگردانش جنبه انتقامی دارد. پیروزی در این مسابقه نه‌تنه می‌تواند استقلال را در جدول گروهی لیگ قهرمانان آسیا بالا بکشد، بلکه روحیه‌ای مضاعف به تیم دهد تا با اعتمادبه‌نفس بیشتری به استقبال رقبا برود. ساینتو به‌خوبی می‌داند که نتیجه این بازی می‌تواند مسیر ادامه فصل را تعیین کند و احتمالاً بسا ترکیبی هجومی و

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

عرفان حمیدی در جریان بازی استقلال با الوصل امارات در جام حذفی

برنامه‌ریزی دقیق وارد میدان خواهد شد.

**ادامه مسیر دشوار؛ فولاد، اراک و دربی بزرگ**

پس از بازی با الوصل، استقلال باید در لیگ برتر به مصاف فولاد خوزستان برود. فولاد همواره یکی از تیم‌های سرسخت و تاکتیکی لیگ بوده و در ورزشگاه شهدای شهر قدس به‌دنبال گرفتن امتیاز است. استقلال پس از این دیدار باید راهی اراک شود تا در مهم‌ترین بازی نیم‌فصل، مقابل پرسپولیس قرار گیرد؛ دیداری که در این فصل در اراک برگزار می‌شود و بدون شک حساس‌ترین و پرحاشیه‌ترین مسابقه فوتبال ایران خواهد بود.نتیجه دربی می‌تواند بر جایگاه استقلال در جدول و حتی آینده سایپنتو در نیم‌فصل دوم تأثیر مستقیم بگذارد. به طور قطع برد در این مسابقه می‌تواند آرامش و انگیزه را به اردوی استقلال بازگرداند، اما شکست ممکن است فشار رسانه‌ای و انتقادها را دوچندان کند.

**ملوان و المحرق؛ چالش‌های ادامه‌دار**

پس از دربی، استقلال میزبان ملوان بندرانزلی خواهد بود. ملوان اگرچه در نگاه اول تیمی متوسط به نظر می‌رسد، اما همیشه در تقابل با تیم‌های بزرگ عملکرد خوبی داشته و می‌تواند دردرساز شود. آبی‌ها باید مراقب خستگی ناشی از دربی باشند تا امتیاز ارزشمندی را در خانه از دست ندهند.

بعد از این دیدار، استقلال آخرین بازی مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا را مقابل المحرق بحرین در این کشور برگزار خواهد کرد. این دیدار می‌تواند برای صعود یا حذف استقلال حیاتی باشد و ساینتو احتمالاً تمام تمرکز خود را روی این مسابقه خواهد گذاشت تا تیمش با عملکردی مقتدرانه از گروه صعود کند.

**جدال‌های سنگین با سپاهان خیبر و گل‌گهر**

اما برنامه فشرده استقلال به همین‌جا ختم نمی‌شود. آبی‌ها پس از بازی آسیایی خود، در دیدار معوقه هفته دهم باید به اصفهان سفر کنند و مقابل سپاهان قرار گیرند. این بازی از سخت‌ترین مسابقات لیگ خواهد بود، چراکه سپاهان همواره در خانه‌اش تیمی قدرتمند و منسجم است. پس از آن، استقلال باید در خرم‌آباد به مصاف تیم منسجم و جنگنده خیبر برود؛ تیمی که در این فصل نشان داده مقابل مدعیان دست‌وپا بسته نیست.

در نهایت، استقلال آخرین بازی نیم‌فصل را در خانه و مقابل گل‌گهر سیرجان برگزار خواهد کرد. گل‌گهر با هدایت مربی کاربلدش معمولاً بازی‌های منظمی ارائه می‌دهد و این دیدار می‌تواند پایانی دشوار بر نیم‌فصل پرماجرایی آبی‌ها باشد.

**لژوم ایجاد ثبات تاکتیکی و تقسیم نیرو**

مجموعه این هشت دیدار، یکی از سنگین‌ترین دوره‌های مسابقاتی استقلال در سال‌های اخیر را رقم خواهد زد. سایپنتو برای موفقیت در این مسیر به چیزی بیش از انگیزه نیاز دارد؛ ثبات تاکتیکی. استقلال در هفته‌های گذشته گاهی در هماهنگی بین خطوط دچار نوسان شده و سرمربی تیم باید با تمرینات هدفمند، این ناهماهنگی‌ها را برطرف کند.

از نسوی دیگر، تقسیم صحیح توان بازیکنان نیز حیاتی است. استفاده بیش از حد از چند مهره کلیدی ممکن است در ادامه باعث افت بدنی و کمبود نیرو در بازی‌های بزرگ شود. سایپنتو باید با چرخش هوشمندانه ترکیب، ضمن حفظ انرژی بازیکنان، روحیه رقابت را نیز در تیم زنده نگه دارد.

**هشت خوان واقعی**

استقلال در آستانه مقطعی سرنوشت‌ساز قرار دارد. هشت دیدار پیاپی در لیگ، جام حذفی و آسیا می‌تواند سرنوشت فصل را تعیین کند. اگر سایپنتو بتواند از بازی‌های پیش‌رو بویژه مقابل الوصل، فولاد و پرسپولیس با نتایج مطلوب عبور کند، استقلال با انگیزه و اعتمادبه‌نفس بالا وارد نیم‌فصل دوم خواهد شد. خوشبختانه تا پایان فینالی در فروردین‌ماه، برنامه مسابقات بدون وقفه ادامه خواهد داشت و این فرصت خوبی است تا استقلال با تمرکز کامل، نظم تاکتیکی و آمادگی بدنی مناسب در مسیر موفقیت گام بردارد. بدون شک، روزهای آینده می‌تواند سرنوشت سایپنتو و آینده استقلال را رقم بزند.

هنوز هم هستند کسانی که به تغییر چهره تیم ملی و بیشتر شدن شانم موفقیت در جام جهانی ۲۰۲۶ امیدوار باشند. اما تحت هر شرایطی و با حضور هر فردی، ایران برای حضور در بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبال دنیا نیاز به بهترین مدل آماده‌سازی دارد و چیزی که الان رؤیت می‌شود، کاملاً خلاف ایده‌آل است. وضعیت به گونه‌ای شده که انگار مسئولان فدراسیون در خلوت به خود می‌گویند تا تمام حواس مردم به فوتبال معطوف نیست، زیر تمام قول و قرارهای قبلی بنزیم و با دست‌فرمان سابق پیش برویم.

تیم ملی چند فینادی مفید را با رویارویی برابر ازبکستان و افغانستان و کنیا و روسیه از دست داد و وقتی اعتراضات به این بازی‌های تدارکاتی نه چندان مفیدکرد که در همان‌ها هم اکثر نتایج نامطلوب بود) بالا گرفت، از سخنگو گرفته تا رئیس و نایبرئیس فدراسیون، همگی وعده نبرد با بزرگانی مثل اسپانیا و پرتغال را دادند. برای فوتبال بی‌ارتباط ایران که حتی در حال عقب افتادن از ازبکستان است، جدال با بهترین تیم‌های دنیا بسیار جذاب و ناورانه بوده و هست. برای همین کمتر کسی چنین قول‌هایی می‌پشتوانه را باور می‌کرد ولی مقامات فوتبالی تضمین داده و حتی جزئیات این مسابقات را هم اعلام کردند؛از آنجا که اسپانیا برای فینالیسما (نبرد بین قهرمانان کوبا آمریکا و یورو) در ماه مارس به قطر می‌آید تا برابر آرژانتین بایستد، بهترین فرصت و نزدیک‌ترین مسافت برای بازی دوستانه فراهم شد. دیدار با پرتغال و کریستیانو رونالدو هم ماند برای آخرین فینادی قبل از جام جهانی که خردآمدامه خواهد بود و حتی رسانه نزدیک به فدراسیون و شخص سرمربی تیم ملی هم از قول و قرار فیکس شده برای سفر به لیسبون خبر داد. اما حالا که روزهای انتهایی سال شمسی را پشت سر می‌گذاریم، خبر رسیده اسپانیا در دوحه، با مصر که همگروه ایران در جام جهانی است دیدار می‌کند و خود قطر هم با آرژانتین. یعنی مصاف با اسپانیا در بازه مورد نظر لغو شد و شاگردان امیر قلعهنویی قرار است در دو آزمون تدارکاتی مقابل نیجریه و کاستاریکا بایستند که هر دو در رنکینگ فیفا از ایران پایین‌تر

### نبی: ترکیب نهایی در امارات مشخص می‌شود



فینادی آبان ماه آغاز شد و برنامه تیم ملی در سومین اردوی تیم ملی حضور در تورنمنت العین امارات است. این فینادی با حضور تیم‌های ملی کپبورد، مصر و ازبکستان برگزار خواهد شد؛ سه تیمی که با ارائه عملکرد خوب در مرحله مقدماتی جام‌جهانی، موفق به صعود مستقیم به جام جهانی شدند. در این بین یکشنبه شب مسعود پزشکیان به دعوت مهدی تاج پیش از اعزام تیم ملی به امارات در اردوی تیم ملی حاضر شد و با بازیکنان دیدار کرد.

مهدی محمد نبی، نایب رئیس اول فدراسیون فوتبال در خصوص حضور رئیس‌جمهور در اردوی

تیم‌های ملی به «ایران‌ورزشی» گفت: «رئیس‌جمهور از تمرینات تیم‌های ملی بزرگسالان، امید و بانوان بازدید کرد و در این دیدار صحبت‌هایی بدون واسطه بین رئیس‌جمهور، مربیان و بازیکنان رد و بدل و شد. نقطه نظرات رئیس‌جمهور مطلوب بود و او بر وفاق و حمایت مردم و دولت از تیم ملی فوتبال کشورمان جهت حضور در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ تأکید ویژه‌ای داشت و اعلام کرد که دولت حمایت بسیار خوبی از تیم ملی خواهد داشت.»

او این گونه به صحبت‌های خود ادامه داد: «حضور رئیس‌جمهور در جمع بازیکنان تیم ملی فراتر از یک بازدید رسمی بود. می‌توان گفت حضور او در تمرینات تیم‌های ملی بسیار ارزشمند بود و مدیران و بازیکنان تیم‌های ملی از این حضور خرسند بودند. در این جام جهانی شاهد وفاق ملی و حمایت همه جانبه مردم خواهیم بود تا بتوانیم نتایجی در خور تیم ملی فوتبال کشورمان کسب کنیم. نکته قابل توجه نحوه حضور او با لباس تیم ملی و شرکت فعال در برنامه‌های تحریرنی بود که موجب شد تا جو بسیار خوب و صمیمانه‌ای بر اردوی تیم ملی حاکم شود.»

مدیر تیم ملی در خصوص اردوی پیش رو و اعزام تیم ملی به امارات این گونه صحبت کرد: «ما پنجشنبه با تیم ملی کپبورد دیدار داریم و آن‌شاءالله بتوانیم این تیم را شکست دهیم و در فینال این تورنمنت حاضر شویم. در صورت پیروزی در این دیدار با برنده دیدار مصر و ازبکستان بازی خواهیم داشت. این اردوی تیم ملی به دلیل سنجش بازیکنان توسط کادر فنی تیم ملی اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که در این اردو جوهره حقیقی تیم ملی را برای حضور در جام جهانی خواهیم شناخت و در واقع ترکیب نهایی تیم ملی مشخص خواهد شد. در این اردو نتایج برای ما اهمیتی ندارد بلکه به دنبال ترکیب نهایی تیم ملی هستیم.»

نبی در خصوص بازیکنان مصدوم تیم ملی بیان داشت: «البته ما بازیکنان مصدومی داریم که تلاش می‌کنند هر چه زودتر مصدومیت‌شان به پایان برسد و به تمرینات گروهی تیم ملی اضافه شوند. سردار آزمون، مهدی قایدی، کسری طاهری و علی قلی‌زاده جزو نفراتی هستند که با مصدومیت مواجه شدند که قطعاً با رفع مصدومیت به اردوهای تیم ملی اضافه خواهند شد.»

### شمسایی: باید از فوتسال عربستان ترسید

جزو ۴ تیم برتر مسابقات می‌شد البته فرانسه هم می‌تواند یک پدیده در فوتسال دنیا باشد که در جام جهانی گذشته جزو ۴ تیم برتر جهان بود.

پیش از حضور در مسابقات کشورهای اسلامی پیش‌بینی می‌کردید به فینال صعود کنید؟ مهم‌ترین موضوع این است که ما باید بدانیم که به دنبال چه چیزی هستیم. تا اینجا هدفگذاری ما در بازی‌های کشورهای اسلامی این بود که فینال مسابقات را ببینیم. حتی قبل از مشخص شدن حرفان‌مان در این مسابقات هم خودمان را در فینال می‌دیدیم. در جلسه‌ای که با مسئولان کمیته المپیک داشتیم گفتیم که در مراحل ابتدایی با هر تیمی روبرو شویم برنده خواهیم بود و به فینال مسابقات صعود خواهیم کرد. در واقع قول ما این بود که فینال را ببینیم که خدا را شکر این اتفاق افتاد. جام ملتها نزدیک‌ترین مسابقات است، با این شرایط می‌توان به آقایی تیم ملی در این مسابقات امیدوار بود؟

مسابقات جام ملتها آسیا را در پیش داریم که کمتر از ۵۰ روز یعنی اوایل بهمن ماه در

اندونزی برگزار می‌شود. اگر ما بخواهیم در آسیا دوباره سلطه داشته باشیم باید با فکر و تلاش بیشتر برای موفقیت‌مان قدم برداریم. اما موضوع عجیب بیماری‌مان در تورنمنت‌های مختلف است. در جام جهانی و پیش از بازی با مراکش ۱۰ بازیکن داشتیم که دچار تب و لرز شده بودند. حالا هم ستاره جوان‌مان مسعود یوسف به دلیل بیماری غش کرد و مسلم اولادقیاد و باقر محمدی هم با حال خراب بازی کردند و ملتی بازیکنان هم با تمام وجودشان برای پیروزی تیم ملی تلاش کردند. حالا باید ببینیم که در فینال چه اتفاقی رقم خواهد خورد.

#### ورزش

**روزنامه**
**روزاقتصاد**
www.marzeghtesad.ir

چهارشنبه ۰۶ اسفند ۱۴۰۴ | شماره ۸۷۰

www.marzeghtesad.ir

▼ **مهدی روی دور خوشبختی**

در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکایس» هر هفته با شور قرمز هواداران می‌لرزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چیزی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعلهور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربه‌ای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیبار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوتل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی. طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پوندسه، کاشتینیا و نزولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که حوزه لوئیس مندیلیبار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی بدهد، مسیر فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیبار سرمربی باتجربه اسپانیایی، در ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکمی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکمی با سلیقه‌ای پرپار در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریباً غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی دشوار به نظر می‌رسد؛ درخشش در تیمی که یک ستاره باثبات در نوک حمله دارد.

اما مندیلیبار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهره‌برداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوست نه تغییر در سیستم تیم. او بدون دست‌زدن به ساختار همیشگی ۱-۲-۳-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پست هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکمی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر ا.ک.آتن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد.

همین عملکرد کلفی بود تا مندیلیبار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشابه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آماژئن «گوینا» همه چیز استند: در شش حضور در سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به طور میانگین، هر ۲۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکمی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت میسان دو مهاجم، نه در تعداد گل‌ها، بلکه در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکمی همچنان تمام‌کننده اول تیم به شمار می‌رود. اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی –مراکشی که در کتاقبالی در زمین دارند. الکمی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بازیساز هجومی، ترکیبی ساخته‌اند که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند.

هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به عنوان «جانشین الکمی»، بلکه به عنوان مکمل ارزشمند ستاره‌های تازه در قلب تیمشان می‌شناسند. اگر این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مهدی طارمی همان‌قدر که در پورتو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود.

▼ **ستارگان کلبا روی نوار ناکامی**

برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را هم‌زمان در ترکیب خود دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است. استناد کلبا که در ابتدای فصل با هنرپنهای سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و جمعی از ملی‌پوشان را به امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان بن‌زاید، تیم الظفره با نمایشی برتر، میزبان خود الاتحاد کلبا را با نتیجه ۳ بر صفر شکست داد؛ شکستی سنگین و نامیدکننده برای تیمی که با حضور بازیکنانی چون احمد نوراللهی، سامان قدوس و شش‌بار مغالو اولین بازی‌ای در تغییر سرنوشتش داشت. در این مسابقه که با حضور بیش از ۱۴۰۰ تماشاگر برگزار شد، قدوس مثل همیشه در ترکیب اصلی حضور داشت اما در دقیقه ۷۰ تعویض شد؛

